

احادیث حج از صحیحین



تهیه و ترتیب

شیخ دکتر عبدالمحسن بن محمد القاسم
امام و خطیب مسجد نبوی شریف

برای گوشش دادن به احادیث به زبان خویشش این بار کد را اسکن کنید



بیان فرضیت حج و جایگاه آن

۱- ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «اسلام بر پنج رکن بنا نهاده شده است: گواهی دادن به اینکه هیچ معبود به حقی جز الله وجود ندارد، و گواهی دادن به اینکه محمد بنده و فرستاده ی الله است» - و در روایت مسلم آمده است: «یکتاپرستی الله» - «و پرپایی نماز، و ادای زکات، و حج کردن بیت الله الحرام، و روزه گرفتن ماه رمضان».

۲- ابوهریره رضی الله عنه می گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیده شد که برترین و با فضیلت ترین اعمال، چه عملی است؟ فرمود: ایمان آوردن به الله و پیامبرش.

پرسیدند: سپس چه عملی برتر است؟ فرمود: جهاد در راه الله.

پرسیدند: سپس چه عملی بهتر است؟ فرمود: حج نیکو و پذیرفته شده» (متفق علیه).

۳- ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم خطبه ای ایراد نمود و فرمود: ((ای مردم! الله حج را بر شما واجب گردانید، پس حج را ادا کنید، مردی پرسید آیا حج هر سال بر ما واجب است؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم سکوت کرد، آن مرد سوال خود را سه مرتبه تکرار کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر می گفتم: بله؛ پس بر شما واجب می گشت، و شما توانایی انجام آن را نخواهید داشت)). (روایت مسلم).

۴- از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که گفت: در حالی که ما نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بودیم، ناگهان مردی وارد شد که لباسی به شدت سفید به تن داشت، و موهایش به شدت سیاه بود، و هیچگونه نشانه‌ای از سفر بر او نبود، و در عین حال هیچ یک از ما او را نمی شناخت، و نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم نشست، و زانوهایش را به زانوهای پیامبر صلی الله علیه وسلم چسباند، و دستانش را بر روی ران پیامبر صلی الله علیه وسلم گذاشت.

و گفت: ای محمد! اسلام چیست مرا از آن با خبر ساز؟ پس رسول الله فرمود: اسلام این است که گواهی دهی هیچ معبود برحق جز الله وجود ندارد، و اینکه محمد فرستاده‌ی الله است، و نماز بپا داری، و زکات پردازی، و رمضان را روزه بگیری، و اگر توانستی حج بیت الله را بجای آوری» او گفت: راست می گویی. پس ما تعجب کردیم که خود از او می پرسد، و سپس او را تایید می کند.)).... (روایت مسلم).

۵- از عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت است که گفت: ((زمانی که الله اسلام را در قلب من جای داد، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده و به ایشان گفتم: دستت را دراز کن تا با تو بیعت نمایم، پس ایشان دستش را دراز نموده ولی من دستم را کشیدم، فرمود: تو را چه شده ای عمرو؟ گفتم: من شرطی دارم. فرمود: چه شرطی؟ گفتم: گناهانم بخشیده شود. فرمود: مگر نمی دانی که اسلام گناهان گذشته‌ی تو را از بین خواهد برد؟ و هجرت نیز گناهان پیش از آن را محو خواهد کرد؟ و نیز حج گناهان پیش از آن را از بین برده و پاک می کند؟)) (روایت مسلم).

حج زنان

۶- از عائشه رضي الله عنها روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدم: ((ای رسول الله! آیا همراه شما در جنگ و جهاد شرکت نکنیم؟ فرمود: بهترین و و با شکوه‌ترین جهاد برای شما زنان: حج نیکو و به دور از هرگونه ریا و گناه است- و در روایتی دیگر: ((جهاد شما همان حج است-)) (روایت بخاری).

حج کودکان

۷- از ابن عباس رضي الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در منطقه ای به نام الروحاء با کاروانی روبرو شد، از آنها پرسید: شما چه کسانی هستید؟ گفتند: ما مسلمانیم. آنان پرسیدند: شما چه کسی هستید؟ فرمود: من رسول الله هستم. پس زنی نوزادی را بر دستان خویش بالا برد و از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید: آیا حج از این نوزاد پذیرفته می‌شود؟ فرمود: بله، و تو نیز پاداش حج کردن او را خواهی داشت)) (روایت مسلم).

روحاء: روستایی است در فاصله ۷۴ کیلومتری مدینه به سمت مکه.

حج کردن زن به نیابت از مرد

۸- عبدالله بن عباس رضي الله عنهما روایت می‌کند که: ((فضل بن عباس همراه با رسول الله صلی الله علیه وسلم بر یک شتر سوار بود که زنی از قبیله خثعم

نزد ایشان آمد، فضل به زن نگاه می کرد، و آن زن نیز به فضل نگاه می کرد، و رسول الله صلی الله علیه وسلم صورت فضل را به سمت دیگر بر می گرداند. و زن پرسید: و گفت: ای رسول الله! زمان فرض حج که الله بر بندگان خود واجب نموده فرا رسیده است، و پدرم پیرمردی است که توانایی نشستن بر سواری را ندارند، آیا من می توانم به نیابت از او حج ادا کنم؟ فرمود: بله، و این پرسش و پاسخ در حجة الوداع بود)). (متفق علیه).

خَثَم: قبیله ای از قبایل یمن باستانی بوده، و امروزه در سعودی کنونی واقع است، و مناطق وجود آنان در فاصله ۹۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر باحه واقع است.

ادای حج و نذر به نیابت از مردگان

۹- ابن عباس رضی الله عنهما روایت می گوید: ((زنی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده و گفت: همانا مادرم نذر کرده بود که به حج برود، ولی پیش از آن وفات کرد، آیا می توانم به نیابت از او حج کنم؟ فرمود: بله، به نیابت از او حج کن، آیا مگر نه این است که اگر بر گردن مادرت قرضی بود؛ آن را ادا می کردی؟ گفت: بله! رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: پس قرضی که بر گردن اوست را ادا کن، همانا ادای حقوق الهی ارجحیت دارد)) (روایت بخاری).

فضلیت حج و عمره

۱۰- از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمودند: ((هر کس خالصانه برای الله حج کند- و در روایت مسلم: ((هر کس نزد این خانه (کعبه) بیاید))- و در هنگام ادای حج مرتکب هیچگونه بیهودگی - از جمله: همبستری و سخن ناشایست - و فسق و گناه نشود؛ در حالی از حج باز خواهد گشت که همچون نوزادی که تازه از مادر متولد شده بی گناه خواهد بود)). (متفق علیه).

۱۱- ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «عمره تا عمره دیگر، کفاره‌ی گناهان بین آن دو عمره می باشد، و حج پذیرفته شده و مقبول نزد الله، هیچ پاداشی جز بهشت ندارد» متفق علیه.

۱۲- از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: «پیامبر صلی الله علیه وسلم به زنی از انصار - که نامش: ام سنان بود - فرمود: چه چیزی تو را از ادای حج با ما باز داشته است؟ گفت: دو شتر داشتیم که یکی از آنها را پدر فلانی - یعنی: شوهرش - و پسرش سوار بر آن به حج رفته اند، و شتر دیگر را خدمتکار ما برای آوردن آب استفاده می کند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «ثواب عمره کردن در ماه رمضان ثوابی همچون ثواب حج - یا حج با من - را دارد» (متفق علیه).

توشه بر گرفتن برای حج

۱۳- ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((اهل یمن در حالی حج می کردند که با خود توشه‌ای بر نمی گرفتند، و می گفتند: ما توکل کرده ایم، و

چنانچه وارد مکه می شدند، از مردم درخواست آذوقه می کردند، پس الله متعال این آیه را فرو فرستاد: ﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾ (بقره، ۲۰۰) (و برای خود توشه بگیرید، و در حقیقت بهترین توشه پرهیزگاری است).

جایز بودن ادای عمره در ماه‌های حج

۱۴- از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((مشرکین عمره کردن در ماه‌های حج را از بزرگترین گناهان می شمردند، و جای ماه محرم و ماه صفر را با یکدیگر تغییر می دادند، و می گفتند: هرگاه زخم پشت شتر التیام یافت، و آثار سفر شتران و چهارپایان از بین رفت، و ماه صفر رخت بر بست؛ آنگاه زمان ادای عمره برای کسی که قصد ادای آن را دارد فرا می رسد. در حالیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه‌ی ایشان صبح روز چهارم ذیحجه نیت حج کرده و احرام بستند، سپس رسول الله به آنان دستور داد تا نیت عمره را جایگزین نیت حج کنند و پس از ادای عمره احرام خود را پایان برسانند، این امر بر آنان سنگین آمد، و گفتند: ای رسول الله! منظور شما از اکتفا کردن به ادای عمره و به پایان رساندن احرام و حلال شدن چیست؟ فرمود: (یعنی به صورت کلی احرام عمره‌ی شما به پایان رسیده و بهره‌مندی از همه‌ی محظورات احرام برای شما جایز شود).

پیامبر صلی الله علیه وسلم چند عمره ادا کرده است

۱۵- از زید بن ارقم رضی الله عنه روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم در نوزده غزوه و معرکه شرکت داشت، و ایشان پس از هجرت فقط

یک حج که همان حجه الوداع باشد، ادا کرد)). (متفق علیه).

۱۶- از انس رضی الله عنه روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم چهار مرتبه عمره ادا کرد، و همه‌ی آنها در ماه ذیقعدہ بودند، مگر عمره‌ای که همراه با حجه الوداع انجام دادند. یک عمره از حدیبیه در ماه ذیقعدہ، و یک عمره سال پس از آن در ماه ذیقعدہ، و یک عمره از جعرانه - پس از تقسیم غنیمت‌های جنگ حنین - در ماه ذیقعدہ، و یک عمره‌ای که همراه با حج انجام دادند)). (متفق علیه).

حدیبیه: در سمت شمال غرب مکه واقع شده است، و این منطقه میان مکه و شهر جدّه قرار دارد، و در ۲۰ کیلومتری مکه واقع است.

جعرانه: در شمال شرق مکه به سمت طائف واقع شده، و در بیست کیلومتری مکه واقع است.

فضیلت عمل نیکو در دهه‌ی ذیحجه

۱۷- عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «انجام هیچ عمل نیکی (در ایام سال)، بهتر از انجام آن در این ایام (دهه‌ی اول ذیحجه) نیست» پرسیدند: حتی جهاد؟ فرمود: «حتی جهاد، مگر فردی که (در راه الله) خارج شود، و جان و مال خود را به خطر اندازد، و با هیچ چیز باز نگردد» (روایت بخاری).

سفر زنان همراه با محرم برای ادای حج و غیره

۱۸- از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ((جایز نیست؛ زنی که به الله و روز قیامت ایمان دارد، مسیری که بیش از یک روز و شب طول می کشد را پیموده، مگر اینکه همراه محرم خود باشد)). و در روایت مسلم: ((مسیری بیش از یک شب))، و در روایتی دیگر: ((مسیری بیش از یک روز)).

۱۹- از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم در خطبه خویش می فرمود: ((هیچ مردی با زن نامحرمی به خلوت ننشیند، و باید محرم آن زن حضور داشته باشد، و هیچ زنی بدون محرم به مسافرت نرود)). پس شخصی برخاست، و گفت: ای رسول الله! زن من رهسپار حج شده است، ولی برای مشارکت در لشکر فلانی برای فلان غزوه نام نویسی کردم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: همراه همسرت برای ادای حج برو)). (متفق علیه)

آنچه هنگام سوار شدن بر مرکب پیش از سفر حج و غیره گفته می شود

۲۰- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم به قصد سفر، بر شترش سوار می شد، سه بار، الله اکبر می گفت و می فرمود: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَى وَمَنْ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ

مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمُنْظَرِ وَسَوْءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ» ترجمه: آن ذاتی که این سواری را در اختیار ما قرار داد؛ پاک است؛ حال آنکه ما نمی‌توانستیم آنرا فرمانبردار خود نماییم و ما بسوی پروردگارمان، خواهیم رفت. بار الها! در این سفرمان از تو نیکی و تقوا و عملی که مورد رضایت توست، مسئلت می‌نماییم. بار الها! این سفر ما را آسان بگردان و مسافت آنرا برایمان کوتاه فرما. الهی! تو همراه سفر و جانشین در خانواده هستی. بار الها! از سختی‌های سفر، غم و اندوه و تغییرات ناگوار در مال و خانواده به تو پناه می‌برم.

همچنین پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام بازگشت، علاوه بر دعای فوق، می‌افزود: «آيُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ» یعنی: رجوع و بازگشت ما بسوی اوست. ما بندگان درگاه پروردگارمان هستیم و او را می‌ستاییم.

۲۱- از عبدالله بن سرجس رضی الله عنه روایت است که گفت: «وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم به سفر می‌رفت، از سختی‌های سفر و از پیش آمدها و تغییرات غم‌انگیز و از کاستی پس از فزونی، و نیز از دعای ستم دیده، و از دیدن مناظر غم‌انگیز و پیش آمدهای ناگوار در مال و خانواده - به الله - پناه می‌برد.

میقات‌های مکانی برای احرام بستن

۲۲- از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که ((رسول الله صلی الله علیه وسلم برای اهل مدینه: ذوالحلیفه، و برای اهل شام: الجحفه، و برای نجد: قرن منازل، و برای اهل یمن: یلملم را به عنوان میقات حج تعیین نمود، و فرمود: این

میقات‌ها برای اهالی این مناطق است، و نیز هر کسی که از این اماکن عبور کند، و قصد حج و عمره را داشته باشد، و هر کسی بعد از محدوده‌ی این میقات‌ها به سمت مکه قرار داشت؛ از همان جایی که حرکت می‌کند احرام بسته، و اهل مکه نیز از خارج از حدود حرم مکه احرام ببندند)). (متفق علیه).

ذوالحلیفه: در چهار ده کیلومتری جنوب غربی مسجد نبوی قرار دارد، و امروزه به نام: ایبار علی شناخته میشود.

جحفه: در چهارده کیلومتری جنوب شرقی رابع قرار دارد.

قرن المنازل: در چهل و پنج کیلومتری شمال طایف آن قرار داشته، و امروزه به نام: سیل کبیر شناخته می‌شود.

یلملم: در نود کیلومتری جنوب غرب مکه قرار دارد.

۲۳- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((زمانی که بصره و کوفه ایجاد شد، اهل این دو سرزمین نزد عمر رضی الله عنه آمده و گفتند: ای امیر المومنین، رسول الله صلی الله علیه وسلم برای اهل نجد قرن منازل را به عنوان میقات قرار داد، در حالیکه از مسیر ما دور است، و اگر ما برای احرام بستن به قرن المنازل برویم برای ما مشقت بسیاری دارد، پس عمر رضی الله عنه گفت: بنگرید چه منطقه‌ای در موزات میقات قرن المنازل قرار دارد؛ پس ذات عرق را به عنوان میقات برای آنان قرار داد)). (روایت بخاری).

ذات عرق: در صد کیلومتری شمال طایف قرار دارد.

۲۴- ابو الزبیر می گوید: از جابر بن عبد الله رضي الله عنهما شنید که در مورد میقات از او پرسیده شد، ابن الزبیر می گوید: گمان دارم که ایشان از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل کرد که فرمود: ((میقات اهل عراق از ذات عرق است)) (روایت مسلم).

اماکنی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در آنها نماز خوانده است

۲۵- از ابن عمر رضي الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم شتر خود را در گذرگاه آب پر از سنگیزه خواباند؛ و سپس آنجا نماز خواند. (متفق علیه)

۲۶- عبدالله بن عمر رضي الله عنهما می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم بسوی دهانه‌ی کوهی ایستاد که در میان دو کوهی قرار دارد که رشته‌ی بزرگتر آن بسوی کعبه است. و مسجدی که آنجا بنا شده را در سمت چپ مسجدی که بر روی تپه بنا شده است قرار داد، و جای نماز پیامبر صلی الله علیه وسلم پائین تر از مسجد در دامنه‌ی تپه سیاه بود، میان او و تپه تقریباً چهار متر فاصله بود، و رو به قبله به سوی رشته‌ی کوهی که میان فرد و کعبه وجود دارد، ایستاد. (متفق علیه)

۲۷- از ابن عمر رضي الله عنهما روایت است که: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگام رفتن به عمره در منطقه‌ی اتراق می کرد، و در سالی که حج ادا نمود نیز در زیر درخت سَمَری که در ذی الحلیفه است در جایی که مسجد بنا شده است اتراق نمود، و اگر از غزوه و جنگی یا حج و عمره‌ای باز می گشت که از این منطقه

عبور می کرد در همان منطقه اتراق می کرد، و از داخل رودخانه می گذشت و وقتی که از آن خارج می شد، در کناره‌ی شرقی آن رودخانه، توقف می نمود و شب را دقیقاً در آنجا سپری می کرد، نه در کنار مسجد سنگی، و یا نه روی تپه‌ای که مسجد بر آن بنا شده بود، در آنجا دره‌ی عمیقی وجود داشت که مملو از تپه‌های شنی بود و رسول الله صلی الله علیه وسلم آنجا نماز می خواند)) (روایت بخاری)

۲۸- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((عبد الله بن عمر رضی الله عنهما می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم چنانچه رهسپار مکه می شد در مسجد شجره که در ذی الحلیفه قرار دارد نماز می خواند و در بازگشت، در میان وادی ذوالحلیفه، نماز میخواند و شب تا صبح را همانجا سپری می کرد.))

سپری کردن شب در ذی الحلیفه

۲۹- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که: فردی شب هنگام نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد در حالی که ایشان در اتراقگاه خود شب را سپری می کرد؛ به ایشان گفته شد: تو در وادی (گذرگاه آب) شنی مبارکی قرار داری.)) (متفق علیه)

۳۰- ابن عمر رضی الله عنهما می گوید که: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم سفر خویش را از ذی الحلیفه شروع نمود، و در مسجد آن نیز نماز خواند.)). (روایت مسلم)

ذی الحلیفه: در چهارده کیلومتری جنوب غربی مسجد نبوی قرار دارد، و

امروزه با نام ایبار علی شناخته می شود.

لباس هایی که پوشیدن آن بر محرم محظوریت دارد.

۳۱- ابن عمر رضی الله عنهما روایت می گوید: شخصی از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید که شخص محرم باید چه لباسی را بپوشد؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم در جواب فرمود: محرم باید از پوشیدن پیر آهن، و عمامه، و شلوار، و کلاه، خودداری کند، و همچنین نباید خف (موزه) بپوشد، مگر کسی که کفش نداشته باشد؛ پوشیدن خف برای او اشکالی ندارد، در صورتی که بالاتر از قوزک پا نباشد، و همچنین محرم از پوشیدن لباس هایی که بوی زعفران و یا عطر و خوشبویی دارد نیز باید خودداری کند)). (متفق علیه) در روایت بخاری آمده است که: ((زنی که محرم است نیز از پوشیدن نقاب (رو بند) و دستکش باید خودداری کند)).

۳۲- از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: در حالی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در عرفات خطبه ایراد می نمود شنیدم که خطاب به افراد محرم می فرمود: کسی که کفش و نعل ندارد خف بپوشد، و کسی که ازار (لنگ) ندارد شلوار بپوشد)) (متفق علیه).

۳۳- عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم در حالی همراه یاران خود از مدینه راه افتاد که سرش را روغن مالید و شانه زد و ازار و ردای احرام پوشید بود، و پوشیدن هیچ لباس و ردا و ازاری را منع نکرد مگر پارچه ای که آغشته به زعفران شده بود و بر روی بدن اثر می گذاشت، رسول الله

صلی الله علیه وسلم شب را تا صبح در ذوالحلیفه سپری کرد، و صبح بر سواری خود سوار شد و به راه افتاد و هنگامی که به «بیدا» رسید، ایشان و یارانش لبیک گفتند. و پیامبر صلی الله علیه وسلم گردنبندی به گردن هدی (قربانی حج) انداخت و اینگونه آن را علامتگذاری کرد. در آن وقت، پنج روز به پایان ماه ذیقعده مانده بود. و روز چهارم ذیحجه، وارد مکه شدند. پیامبر صلی الله علیه وسلم در اولین گام به طواف کعبه پرداخت و بین صفا و مروه سعی نمود. و چون هدی همراه داشت از احرام خارج نشد، سپس، در منطقه‌ی حجون در بالای شهر مکه اتراق کرد، و برای ادای حج، در احرام باقی ماند، و پس از طواف اول نزد کعبه نرفت تا اینکه از عرفه بازگشت، و به آن عده از اصحاب که هدی همراه نداشتند، دستور داد که پس از طواف کعبه و سعی بین صفا و مروه، موهای خود را کوتاه کنند و از احرام خارج شوند و همه‌ی ممنوعات احرام بر آنان حلال گشت، و در روایتی دیگر: ((دستور داد تا ممنوعات احرام بر آنان حلال گشته، و موهای خود را تراشیده یا کوتاه کنند)) و این دستور خطاب به کسانی بود که هدی و قربانی علامتگذاری شده با خود نداشت، و کسانی از آنها که همسرانشان را با خود آورده بودند، اجازه داد تا با آنها نزدیکی کنند و از مواد خوشبو استفاده نموده و لباس دوخته بپوشند.

بیداء: پس از وادی عقیق فوراً واقع در غرب منطقه‌ی ذی الحلیفه قرار دارد و پانزده کیلومتر از مدینه فاصله دارد.

حجون: در فاصله‌ی دو کیلومتری شمال شرق مسجد الحرام واقع است و امروزه با نام ربیع حجون شناخته می‌شود. (روایت بخاری).

استفاده از خوشبویی برای محرم

۳۴- از عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت: (من پیش از بستن احرام و همچنین زمانی که از احرام بیرون می آمد، یعنی پیش از طواف به دور کعبه بر بدن رسول الله صلی الله علیه وسلم خوشبویی زدم.

۳۵- از عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت: ((در حجة الوداع با دستان خویش رسول الله صلی الله علیه وسلم را هنگام احرام بستن و زمانی که از احرام بیرون می آمد، با خوشبویی ذریره، خوشبو نمودم)). (متفق علیه)

۳۶- عایشه رضی الله عنها می گوید: ((هرگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم قصد احرام بستن را می نمودند: با بهترین نوع عطر خود را خوشبو می نمود، و من درخشندگی روغن را بر موی سر و ریش ایشان می دیدم)) (متفق علیه).

۳۷- عایشه رضی الله عنها می گوید: ((من رسول الله صلی الله علیه وسلم را با عطر خوشبو می نمودم سپس ایشان سراغ بقیه زنان خویش می رفت، و صبح وارد احرام می شد و بوی عطر شان همه جا آکنده بود)). (متفق علیه).

علامتگذاری کردن قربانی و بستن قلاده بر گردن آن

۳۸- عایشه رضی الله عنها می گوید: من قلاده ی هدی رسول الله صلی الله علیه وسلم را بافتم، در روایتی دیگر: (من آن را با پشم بافتم) سپس ایشان هدی و قربانی را علامتگذاری کرده و کوهان قربانی را شکاف داده تا جایی که خون آن

جاری شد و قلاده را به گردن قربانی آویخت سپس قربانی را به سوی خانه ی الله - کعبه - فرستاد و خود در مدینه باقی ماند، و ارسال قربانی به مکه باعث نشد تا امری که برای ایشان حلال بود، حرام شود.

۳۹- از عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم یکبار گوسفندی را برای ذبح به سوی کعبه - خانه ی الله - فرستاد، و قلاده بر گردن آن بست.

۴۰- از ابن عباس رضی الله عنها روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز ظهر را در ذوالحلیفه خواند و دستور داد تا شترش را بیاورند و در سمت راست کوهانش را علامت گذاشت، طوریکه خون از آن، جاری شد، و دو نعل و قلاده بر گردن شتر آویزان نمود، سپس بر مرکبش سوار شد و هنگامی که به بیداء رسید، برای حج، لبیک گفت.

بیداء: منطقه ای در غرب ذی الحلیفه پس از وادی عقیق واقع است و از مسجد نبوی ۱۵ کیلومتر فاصله دارد.

حکم سوار شدن بر حیوانی که قربانی خواهد شد

۴۱- از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم شخصی را دید که در حالی که پیاده بود شتر قربانی را با خود می برد. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «بر این سواری، سوار شو». آن شخص، گفت: این شتر برای قربانی کردن است، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «سوار شو»، و پیامبر

صلی الله علیه وسلم بار دوم یا سوم فرمود: «سوار شو! وای بر تو».

اگر پیش از ذبح قربانی در مسیر مجروح یا بیمار شد چه باید کرد؟

۴۲- از جابر بن عبدالله ب روایت است که دربارهی سوار شدن شتر قربانی پرسیدند، وی گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «اگر به آن نیاز پیدا کردی و مجبور شدی، تا زمانی که سواری دیگری، نیافته‌ای، بر آن، سوار شو» (روایت مسلم).

اگر پیش از ذبح قربانی در مسیر مجروح یا بیمار شد چه باید کرد؟

۴۳- از ابو قبیصه ذؤیب رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم شترهای قربانی خود را با او به مکه می‌فرستاد و می‌فرمود: «اگر یکی از آنها از پای در آمد و بیم مردنش می‌رفت، آنرا ذبح کن و نعل آنرا در خونس بزن و به کناره‌ی کوهانش بمال، و نه خودت و نه همراهان - که حاجی هستند - حق ندارید از آن بخورید».

مشرکین چگونه لیبک می‌گفتند

۴۴- از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: مشرکین می‌گفتند به دور از هرگونه شریکی فقط تو را اجابت می‌کنیم، و رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرمود: وای بر شما به همین اندازه اکتفا کنید، کافیت، و آنها در

ادامه می گفتند: فقط شریکی که برای توست و تو مالک آن هستی و او مالک تو نیست، این عبارت را در حالی می گفتند که به دور کعبه خانه ی الله طواف می کردند.

چگونگی لبیک گفتن پیامبر صلی الله علیه وسلم

۴۵- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که لبیک می گفتند در حالیکه بر سر موی ایشان نوعی از صمغ گذاشته بودند، و می گفتند: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ! إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ، و بر این کلمات چیزی نمی افزود. [متفق علیه]

استحباب لبیک گفتن با صدای بلند

۴۶- از جابر بن عبد الله و ابو سعید رضی الله عنهما روایت است که می گفتند: ((همراه رسول الله رهسپار حج شدیم در حالیکه ما با صدای بلند لبیک حج می گفتیم)). (روایت مسلم)

۴۷- از جابر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم از دره ازرق (آبی رنگ) عبور می کرد، پرسید: اینجا چه نام دارد؟ گفتند: دره ازرق (آبی)، فرمود: گویی هم اکنون من موسی علیه السلام را می بینم که از کوه در حال پایین آمدن است، - و در روایتی دیگر: ((در حالیکه انگشتانش را درون گوش هایش قرار داده است))، - و با صدای بلند لبیک می گوید، سپس به کوه هرشی

رسیدند، پرسیدند: اینجا کجاست؟ گفتند: اینجا کوه هرشی است، فرمود: گویی هم اکنون من یونس بن متی را می بینم که سوار بر شتری سرخ رنگ و تنومند و قوی، در حالیکه قبایی بلند با آستینی کوتاه بر تن دارد، و لگام شترش از لیف درخت خرما است و در حال لبیک گفتن است.

وادی ازرق: واقع در ده کیلومتری شمال عسفان است، و امروزه به نام: غُرَان معروف است.

ثیه هرشی: در شش کیلومتری شرق جحفه واقع شده است.

نیت رسول الله صلی الله علیه وسلم برای احرام

۴۸- از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که برای حج و عمره همراه با هم به صورت قران یک لبیک گفت. [متفق علیه]

۴۹- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم تنها برای حج بدون عمره لبیک گفت. [متفق علیه]

گفتن الحمد لله و سبحان الله و الله اکبر پیش از نیت کردن

۵۰- از انس بن مالک روایت است که در حجه الوداع گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم سوار بر شترش شد و زمانی که به بیداء رسید؛ الحمد لله و سبحان الله و الله اکبر گفتن را آغاز نمود - و در روایتی دیگر: ((پس ایشان شروع به گفتن

لا اله الا الله و سبحان الله نمود))، سپس برای حج و عمره نیت کرده و لبیک گفت.
[روایت بخاری]

اعلام نیت و احرام پس از سوار شدن بر مرکب

۵۱- عبید بن جریج از عبد الله بن عمر رضي الله عنهما پرسید: ای ابا عبد الرحمن! شما را دیدم که چهار کار را انجام می دادی در حالیکه هیچکدام از اصحاب شما آن کارها را انجام نمی دادند، گفتند: چه کارهایی ای ابن جریج؟
گفتم: تو را دیدم که از چهار گوش کعبه فقط دو رکن یمانی و حجر اسود را لمس می کردی؟ و تو را دیدم که کفش های بدون مو پوشیده، و موهایت را با رنگ زرد مایل به قرمز رنگ می زنی؟ و در مکه مردم با دیدن ماه شروع به لبیک گفتن می کنند، در حالیکه تو این کار را نمی کنی مگر در روز ترویبه (روز هشتم ذیحجه)؟
عبدالله بن عمر در جواب گفت: اما چهار گوش کعبه: من رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیدم که فقط همین دو رکن و زاویه را لمس می کرد، اما کفش ها: من ندیده ام رسول الله صلی الله علیه وسلم کفش های مو دار بپوشد، و درحالی که کفش هایش را پوشیده بود وضو می گرفت، لذا من هم دوست درام همین نوع کفش را بپوشم. و اما رنگ زرد مایل به قرمز: من رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیده ام که برای ریش خود از این رنگ استفاده می کرد. و اما لبیک گفتن: من رسول الله صلی الله علیه وسلم را ندیده ام که پیش از اینکه بر شترش سوار شده و برای ادای حج حرکت کند نیت کند و لبیک بگوید.

۵۲- از نافع روایت است که گفت: ((هر گاه ابن عمر رضي الله عنهما قصد رفتن به مکه را می نمود، موهای خویش را با روغنی که بویی نداشت چرب می نمودند، سپس به ذوالحلیفه می آمد و بعد از نماز خواندن، سوار بر شترش می شد و وقتی شترش به درستی می ایستاد به احرام نیت می کرد، و می گفت: من رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیده ام که اینگونه عمل می کرد)). [روایت بخاری]

حکم کسی که در نیت بگوید مانند کسی دیگر نیت می کنم

۵۳- از ابو موسی رضي الله عنه روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا به یمن فرستادند، سپس من در سالی که ایشان حج نمودند، نزد ایشان آمدم، پیامبر صلی الله علیه وسلم از من پرسید؛ ای ابو موسی! هنگام احرام بستن چه گفتی؟ گفتم: پروردگارا! همان لبیک و نیتی را دارم و می گویم که رسول الله گفته است، سپس فرمود: آیا همراه خودت قربانی آورده ای؟ گفتم: نه، و در روایتی دیگر در صحیحین: ((فرمود: کار خوبی را انجام دادی)). - سپس فرمود: پس عمره را بجا بیاور و بعد از طواف کعبه و سعی بین صفا و مروه از احرام خارج شو)). [روایت بخاری]

اعلام کردن نیت با صدای بلند

۵۴- از انس بن مالک رضي الله عنه روایت است که: ((همراه با ابو طلحه سوار بر شتر بودم، در حالیکه مردم برای ادای حج و عمره لبیک گفته نیت می کردند)). [روایت بخاری]

چگونگی نیت زنانی که در دوره‌ی ماهیانه و پس از

وضع حمل به سر می‌برند

۵۵- از عائشه رضی الله عنها روایت است که گفت: ((سال حجة الوداع همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم رهسپار حج شدیم؛ پس برای عمره نیت نمودیم، و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر کس همراه خویش قربانی آورده است؛ پس برای حج و عمره همراه هم در یک لیبک، نیت کند، سپس احرام و نیتش به پایان نمی‌رسد مگر که حج و عمره را با یک نیت و احرام ادا کند، پس در حالی به مکه رسیدم که عادت ماهیانه من فرا رسید؛ پس نه به طواف کعبه رفتم و نه سعی میان صفا و مروه را انجام دادم، - و در روایتی دیگر: ((تا اینکه شب عرفه فرا رسید))،- پس حالم را برای رسول الله صلی الله علیه وسلم بازگو کردم، ایشان فرمود: ((موی سرت را باز کرده و آنرا شانه کن، و سپس نیت حج کرده و نیت عمره را رها کن، عایشه گفت: من این کار را انجام دادم. هنگامی که حج را به پایان رسانیدیم رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا به همراه برادرم عبد الرحمن به تنعیم فرستاد تا من از آنجا نیت ادای عمره نموده و عمره بجا آورم، و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: این عمره بجای عمره ای است که از تو فوت شده بود. پس کسانی که برای عمره نیت کرده بودند، به طواف کعبه رفته و پس از به پایان رساندن طواف و سعی از احرام خود بیرون آمده، سپس بعد از اتمام حج و بازگشتن از منی طواف دیگری انجام دادند. و اما کسانی که برای حج و عمره یکجا نیت کرده بودند، تنها یک طواف انجام دادند.

۵۶- از عائشه رضي الله عنها روایت است که می گوید: ((همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم رهسپار حج شدیم و قصدی جز ادای حج نداشتیم، تا اینکه در منطقه ی سَرَف: و یا نزدیکی آن عادت ماهیانه ام فرا رسید، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالی بر من وارد شد که من گریه می کردم، فرمود: آیا دوره ی ماهیانه ات فرا رسیده است؟ گفتم: بله. فرمود: این چیزی است که الله بر دختران آدم نوشته است؛ هر کاری را که حاجی انجام می دهد انجام بده، غیر از اینکه به دور کعبه طواف نکن تا اینکه دوره ماهیانه ات به پایان رسد و غسل کنی - و در روایتی دیگر: ((تا اینکه پاک گردی)). و رسول الله صلی الله علیه وسلم به نیابت از زنان خود گاو قربانی کرد. (متفق علیه)

سَرَف: منطقه ای است که در شمال شرقی مکه قرار دارد.

۵۷- از عائشه رضي الله عنها روایت است که به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفتم: ((ای رسول الله! مردم در حالی باز می گردند که حج و عمره ادا کرده اند، در حالیکه من فقط حج کرده ام؟ فرمود: منتظر بمان تا زمانی که دوره ی ماهیانه ی تو به پایان رسد و ظاهر شوی، پس از آن به تنعیم برو و از آنجا برای عمره نیت کن، و در روایتی دیگر: ((و عبدالرحمن تو را همراه خود ببرد)) سپس در مکان فلانی با یکدیگر ملاقات کردیم و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: البته که پاداش تو به اندازه ی تحمل تو در برابر دشواری است، یا اینکه فرمود: به اندازه ی هزینه ای که کرده ای. [متفق علیه]

شرط و استثنا نمودن در حج

۵۸- از عائشه رضي الله عنها روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم نزد ضباعه بنت زبیر آمدند، و از او پرسید: قصد حج داری؟ او گفت: به الله سوگند که تمام وجودم را درد فرا گرفته است. رسول الله خطاب به او صلی الله علیه وسلم فرمود: نیت حج کن، و این شرط و استثنا را بگو: پروردگارا! جایی که مانعی بر سر راه من در ادای حج پیش آید در همان مکان از احرام خارج شده و ممنوعات احرام بر من حلال گردد)) (متفق علیه)

حج تمتع و اقران و افراد

۵۹- از عائشه رضي الله عنها روایت است که: ((با رسول الله صلی الله علیه وسلم برای ادای حج خارج شدیم، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: هر یک از شما که نیت حج و عمره را دارد، یا فقط نیت حج را دارد، و یا فقط نیت عمره را دارد، پس هرگونه قصد دارد؛ نیت کند. و رسول الله صلی الله علیه وسلم برای حج نیت نمودند، و همراه ایشان نیز کسانی بودند که برای حج نیت کردند، و افراد دیگری برای حج و عمره نیت کردند، و دیگران نیز برای عمره نیت کرده، و احرام بسته بودند، و من نیز از جمله کسانی بودم که برای عمره نیت کرده، و احرام بسته بودم. (متفق علیه).

۶۰- عایشه رضي الله عنها که می گوید: پنج روز از ماه ذیقعد مانده بود که با رسول الله صلی الله علیه وسلم برای ادای حج از مدینه خارج شدیم، و نیتی جز ادای حج نداشتیم، تا اینکه به مکه رسیدیم و پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور داد کسانی

که با خود هدی و قربانی نیاورده بودند پس از طواف و سعی میان صفا و مروه از احرام خارج شده و ممنوعات احرام بر آنان حلال گردد. (متفق علیه)

۶۱- عمر بن الخطاب رضي الله عنه می گوید: در وادی عقیق از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: ((فرشته ای از سوی پروردگارم نزد من آمد و گفت: در این وادی مبارک نماز بخوان، و بگو: نیت حج همراه با عمره را دارم، و در روایتی دیگر: ((و بگو: عمره و حج ادا می کنم)). (روایت بخاری)

۶۲- ابوهریره رضی الله عنه می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، (عیسی) فرزند مریم در آخر الزمان از مکان فج روحاء برای حج یا عمره یا هر دوی آنها با هم، احرام می بندد».

جایز بودن ادای حج تمتع

۶۳- از عمران بن حصین رضی الله عنهما روایت است که می گوید: آیه ی حج تمتع در قرآن نازل شد و رسول الله صلی الله علیه و سلم ما را به انجام آن دستور داد و پس از آن هیچ آیه ای در قرآن نازل نشد که تمتع را نسخ و تحریم کند و تا رسول الله صلی الله علیه و سلم زنده بود ما را از انجام آن نهی نکرد. (متفق علیه).

۶۴- از عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم پس از اینکه چهار یا پنج روز از ذیحجه گذشته بود نزد من آمد در حالیکه خشمگین بود، گفتم: چه کسی تو را خشمگین ساخته ای رسول الله؟ الله او را وارد

دوزخ سازد، فرمود: آیا متوجه نشدی که من دستوری به مردم داده ام و مردم در اطاعت از آن مردد هستند، و اگر من پیش بینی می کردم و آنچه اکنون می دانم می دانستم قربانی و هدی را با خود نمی آوردم تا اینجا در مکه خریداری کنم سپس همانند آنها پس از ادای عمره از احرام خارج شده و ممنوعات احرام بر من حلال می گشت.

چه زمانی متمتع برای حج نیت می کند؟

۶۵- از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم پس از اینکه بعد از عمره از احرام خارج شدیم، به ما دستور داد تا هنگام رفتن به سوی منی برای ادای حج احرام بپوشیم، و از ابطح احرام بستیم. (روایت مسلم)

ابطح: دشت و وادی پهناوری که میان مکه و منی قرار دارد.

چه اعمالی بر کسی که در صدد ادای حج تمتع بوده واجب است

۶۶- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حجة الوداع، حج تمتع (یعنی: عمره و حج با دو احرام جداگانه) ادا کرد، و همراه خود از ذی الحلیفه قربانی برد، و رسول الله صلی الله علیه وسلم در ابتداء نیت عمره نمود، سپس نیت حج کرد، و همچنین مردم همراه ایشان برای حج تمتع نیت کردند؛ و بعضی از آنها همراه خود قربانی آورده بودند، و بعضی دیگر با خود هدی و قربانی

نداشت، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم با رسیدن به مکه به مردم گفت: هر کس از شما همراه خود قربانی آورده است، پس تا پایان حج چیزی که بر او حرام شده است، حلال نخواهد گشت، و هر کس از شما که قربانی همراه خود نیاورده است؛ پس به دور کعبه طواف نموده و میان صفا و مروه سعی کرده، و موی سر خود را کوتاه نموده و از احرام خارج شوید، سپس دوباره برای حج نیت کرده و قربانی کنید، و هر کس قربانی نیافت پس باید سه روز در ایام حج و هفت روز بعد از برگشتن از آن روزه بگیرد، و رسول الله صلی الله علیه وسلم با وارد شدن به مکه از طواف بیت الله شروع نمود؛ و اولین کاری که انجام داد رکن حجر اسود را لمس نمود، سپس سه دور از طواف را دوان دوان و چهار دور دیگر را آرام آرام به پایان رساند، و بعد از اتمام طواف کعبه دو رکعت نماز خواند، و پس از آن به سوی صفا و مروه روانه شد، و هفت دور میان صفا و مروه سعی کرد، سپس از احرام خود بیرون نیامد تا اینکه حج خود را به پایان رسانده و قربانی خود را در روز عید ذبح کرد، سپس به سوی کعبه روانه شده و به دور آن طواف کرد، سپس از احرام بیرون آمده و هر آنچه که بر ایشان حرام شده بود بعد از اتمام حج حلال گشت، و هر کس از مردم که همراه خود قربانی آورده بود مانند رسول الله صلی الله علیه وسلم مناسک و اعمال حج خویش را انجام داده، و به پایان رساندند. [متفق علیه]

کسی که حج را به صورت قرآن ادا می کند

چه زمانی از احرام خارج می شود؟

۶۷- از حفصه بنت عمر رضي الله عنها روایت است که: ((رسول الله صلى الله عليه وسلم در حجة الوداع به همسران خود دستور داد تا پس از اتمام عمره از احرام خود خارج شده، و ممنوعات احرام بر آنان حلال گردد، من از ایشان پرسیدم: چه چیزی باعث شده تا شما از این کار امتناع کنی؟ فرمود: من موی سرم را بسته ام و آنرا محکم کرده ام، و قلاده بر گردن قربانی خود انداخته ام، پس نمیتوانم از احرام بیرون بیایم تا زمانی که قربانی ام را ذبح نکرده ام)). (متفق علیه)

کسی که نیت حج افراد و یا قران دارد فقط یک طواف و یک سعی بر او واجب است

۶۸- عائشه رضي الله عنها قصه ی حج خود را روایت می کند و می گوید: ((رسول الله صلى الله عليه وسلم در سومین روز ایام تشریق - روز نَفَر یعنی روز خارج شدن از منی - فرمود: طواف تو برای حج و عمره ات کافست)). (روایت مسلم)

۶۹- از جابر بن عبد الله رضي الله عنه روایت است که گفت: ((رسول الله صلى الله عليه وسلم واصحابش به جز یکبار در آغاز ورود به مکه، دیگر برای سعی بین صفا و مروه نرفتند)). (روایت مسلم).

فسخ نیت حج به عمره برای کسی که قربانی همراه خود نبرده است

۷۰- جابر بن عبد الله رضي الله عنهما رضي الله عنهما گوید: ما - صحابه ی

رسول الله صلی الله علیه وسلم - فقط برای حج نیت کردیم، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم در صبح چهارم ذیحجه نزد ما آمد، و دستور داد که با اتمام عمره از احرام بیرون آمده و می توانند نزد همسران خود بروند. ما گفتیم: در حالیکه میان ما و عرفه زمانی بیشتر از پنج روز نمانده به ما دستور داده که نزد همسران خود برویم تا در حالی روانه عرفه شویم که آثار همبستری با همسران بر ما مانده است. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان ما بر خواسته و فرمود: می دانید که من پرهیزگارتین و راستگوتین و نیکوکارترین شما هستم، و اگر قربانی خودم را از مدینه همراه خود نیاورده بودم مانند شما از احرام بیرون آمده و همان کاری را انجام می دادم که شما انجام می دهید، اگر زمانه به عقب باز می گشت قربانی همراه خویش نمی آوردم، و از احرام خارج شوید، و ما نیز دستور ایشان را اجرا نمودیم. سپس علی رضی الله عنه از ماموریتش - در جمع صدقات - بر گشت، و رسول الله صلی الله علیه وسلم از او پرسید: چگونه نیت کردی؟ علی گفت: من گفتم همانگونه که رسول الله صلی الله علیه وسلم نیت کرده است. فرمود: پس قربانی که با خود آوردی را برای روز قربان مهیا کن و در احرام خود بمان، جابر می گوید: و علی رضی الله عنه نیز برای رسول الله صلی الله علیه وسلم قربانی آورده بود. سراقه بن مالک بن جعشم گفت: یا رسول الله این برای همین سال ماست یا برای همیشه؟ فرمودند: برای همیشه)). [متفق علیه]

۷۱- از جابر بن عبد الله رضی الله عنه روایت است که گفت: ((همان سالی که قربانی همراه خویش آورده بودند، همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم حج نمودم،

و مردم فقط برای حج نیت کرده و احرام بسته بودند، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: از احرام خویش خارج شده، سپس به دور کعبه طواف کنید و میان صفا و مروه سعی کرده، و اجازه دارید که آنچه برای شما حلال است را انجام دهید، تا روز هشتم که نیت حج کنید، و آنچه را قبلاً انجام دادید به عنوان عمره ی حج تمتع در نظر بگیرید. گفتند: چگونه آن را به عنوان عمره برای حج تمتع در نظر بگیریم، در حالیکه در شروع کار نیت حج کردیم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: آنچه به شما دستور می دهم را عملی کنید، چرا که اگر من همراه خویش قربانی را نیاورده بودم همین کار را انجام می دادم، ولی تا زمانی که قربانی به قربانگاه نرسیده باشد هیچ حرام و ممنوعی از ممنوعات احرام بر من حلال نخواهد گشت، پس دستور پیامبر صلی الله علیه وسلم را اجرا نمودند. [متفق علیه]

جایز بودن ادای عمره پس از حج برای کسی که حج مفرد ادا کرده است

۷۲- از عائشه رضی الله عنها روایت است که ((رسول الله صلی الله علیه وسلم در محصب اتراق کرد و عبدالرحمن بن ابی بکر را فراخواند، و فرمود: با خواهرت - عائشه - از حرم خارج شو؛ تا او برای عمره نیت کند، تا سپس به دور کعبه طواف کند، و من اینجا منتظر شما خواهم ماند، عائشه می گوید: پس ما حرکت کردیم، و من نیت احرام برای عمره کردم، سپس برای طواف کردن به سوی کعبه رفتیم، و میان صفا و مروه سعی کردم، و دوباره نیمه شب نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم برگشتیم در حالیکه ایشان در جای خود منتظر مانده بود، فرمود: آیا عمره ات را تمام کردی؟ گفتم: بله. سپس به صحابه دستور داد تا حرکت کنند، سپس ایشان نزد

کعبه رفته و قبل از نماز صبح دور آن طواف نمود، سپس رهسپار مدینه شد)). [متفق علیه]

محبص: منطقه ای است چسبیده به عقبه کبری، که امروزه به نام مجر کبش معروف است.

حکم مُحَرَّمی که ندانسته پوشیدن لباس یا استفاده از عطر

۷۳- از یعلی بن امیه رضی الله عنه روایت است که: ((می گفت: ای کاش هنگام نزول وحی رسول الله صلی الله علیه وسلم را بینم، او گفت: در حالیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم در جعرانه به همراه برخی از صحابه در سایه ی لباسی نشسته بود، بادیه نشینی پیش ایشان آمد، بادیه نشین قبایی بلند پوشیده بود که آستینی کوتاه داشت و آکنده از عطر بود، و گفت: ای رسول الله صلی الله علیه وسلم حکم شخصی که پس از نیت عمره قبایی بپوشد که آکنده از عطر باشد، چیست؟ پس عمر با اشاره ی دست از یعلی خواست که بیاید، یعلی آمد و سر خود را زیر سایه وارد کرد و دید که چهره رسول الله صلی الله علیه وسلم قرمز شده است و صدایی همچون صدای تنفس انسان خوابیده شنیده می شد، لحظاتی این حالت ادامه داشت تا اینکه به حال طبیعی باز گشت، فرمود: بادیه نشینی که چند لحظه پیش درمورد احرام و عمره پرسیده بود کجاست؟ پس شخص را پیدا کرده و آوردند، و پیامبر خطاب به بادیه نشین فرمود: عطری که زدی را سه بار بشوی، و در روایتی دیگر: ((آثار عطری که بر بدن توست را سه بار با آب بشوی و آثار آن را پاک کن))، و اما لباسی که

بر آن عطر زده ای را از تن بیرون آور، و حج را همانگونه ادا کن که عمره ادا می کنی)). [متفق علیه]

حکم عقد ازدواج بستن برای مُحْرِم

۷۴- از عثمان بن عفان رضي الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ((برای شخص مُحْرِم جایز نیست تا وقتی در احرام است کسی را به نکاح خود در آورده و یا زنی را به نکاح دیگری در آورد، و یا از زنی - چه برای خود یا دیگری - خواستگاری کند)). [متفق علیه]

حرام بودن شکار توسط فرد محرم

۷۵- از صعب بن جثامه رضي الله عنه روایت است که گفت: ((من گورخری را به رسول الله صلی الله علیه وسلم هدیه دادم، و ایشان در الأبواء و یا ودان بودند، ولی رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را قبول نکرد. صعب گفت: زمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم اثر ناراحتی از نپذیرفتن هدیه را دید، فرمود: من فقط به این دلیل هدیه ی شما را نپذیرفتم که در حال احرام هستم)). [متفق علیه]

ابواء: رودخانه ای است در اطراف ۲۲۰ کیلومتری مدینه، و نزدیک به شهر مستوره است.

ودان: جایی در نزدیکی الأبواء.

۷۶- از ابو قتاده رضي الله عنه روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله

علیه وسلم برای زیارت کعبه رهسپار مکه شد، و ما نیز همراه ایشان بودیم، ایشان تعدادی از یاران خود - از جمله ابو قتاده - را به ماموریتی فرستاد، سپس فرمود: مسیر ساحل دریا را در پی بگیرید تا اینکه به من برسید، پس صحابه از راه ساحل رفتند، زمانی که به سمت رسول الله صلی الله علیه وسلم باز گشتند، همگی بجز ابو قتاده نیت احرام کردند، در اثنای مسیر گورخرانی را دیدیم، پس ابو قتاده برای شکار آنها اقدام کرد، و یکی ماده گورخر را شکار کرد، و صحابه وقتی اتراق کردند از گوشت آن خوردند، سپس با خود گفتند: ما از گوشت این شکار خوردیم در حالیکه در حال احرام هستیم! پس گوشت باقیمانده را با خود نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بردند، و هنگامی که نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رسیدند، گفتند: ای رسول الله! ما در احرام بودیم، اما ابو قتاده محرم نبود، در همین هنگام گورخرانی را دیدیم، پس ابو قتاده برای شکار یکی از آنها اقدام کرد، و گورخر ماده ای را شکار کرد، ما هم زمانی که اتراق کردیم از آن شکار خریدیم، و با خودمان گفتیم: ما این گوشت را در حالی خوردیم که مُحْرِم بودیم! و باقیمانده گوشت را همراه خود آوردیم، فرمود: آیا کسی از شما به او دستور داده و یا به او پیشنهاد کرده است؟ گفتند: نه، فرمود: پس باقیمانده گوشتش را بخورید)). [متفق علیه] و در روایتی دیگر در صحیحین آمده است: ((آیا چیزی از شکار همراه خود دارید؟ گفتند: پای آن شکار با ماست؛ پس رسول الله صلی الله علیه وسلم از آن میل کرد)).

۷۷- از ابو قتاده رضی الله عنه روایت است که گفت: ((در سال حدیبیه، با پیامبر صلی الله علیه وسلم از مدینه، به راه افتادیم. برخی از صحابه مُحْرِم شده بودند.

ولی من احرام نبسته بودم. آنگاه، اطلاع یافتیم که دشمن، در محلی بنام غیقه، خود را آماده ی کارزار می سازد. بسوی دشمن، حرکت کردیم. همراهانم، گورخری را دیدند به یکدیگر نگاه کرده، و شروع به خندیدن کردند. من به اطراف خود نگریستم، چشمم به آن گورخر افتاد. و در روایتی نزد بخاری آمده است: (پس مرا از آن گورخر باخبر نساختند، با وجود اینکه دوست داشتند که من آن را بینم، پس چرخیدم و آن را دیدم) پس تاختم و گورخر را زخمی کردم و آن را گرفتم. و از همراهان خود خواستم که مرا کمک کنند. ولی همه از این کار سرباز زدند. و پس از شکار همه از گوشت آن، خوردیم. سپس، خود را به رسول الله رسانیدم. و چون می ترسیدم از ایشان باز بمانم، گاهی می تاختم و گاهی آهسته مسیر را طی می کردم. نیمه های شب، شخصی از بنی غفار را دیدم و پرسیدم که در کجا از رسول الله صلی الله علیه وسلم جدا شده ای؟ گفت: کنار چشمه ی آبی به نام تعهن. و قصد داشت که در سقیا، شب تا صبح را سپری نماید. سرانجام، خود را به ایشان رسانیدم. و گفتم: ای رسول الله! یاران خدمت شما سلام رسانیدند و ترسیدند که دشمن پیش از آنان به شما برسند، بهتر است منتظر بمانید تا سایر صحابه به ما برسند. رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز پذیرفت. سپس، گفتم: ای رسول الله! ما گورخری شکار کردیم و از گوشت آن، هنوز مقداری همراه من مانده است. پیامبر صلی الله علیه وسلم به صحابه ای که در احرام بسر می بردند، فرمود: «بخورید» و در روایتی نزد بخاری و مسلم آمده است: ((در حالی که محرم بودند خطاب به آنان گفت: در واقع این غذایی است که الله بر شما ارزانی داشته است)).

غیقه: در فاصله ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی بدر قرار دارد.

تعهن: چشمه ای در پنجاه کیلومتری شمال ابوا قرار دارد.

السقیا: شهری در شمال فرع در فاصله ۱۵۰ کیلومتری جنوب مدینه واقع شده

است.

خوردن چه نوع شکاری برای فرد محرم جایز است

۷۸- از عبدالرحمن بن عثمان التمیمی رضي الله عنه روایت است که گفت:

((ما همراه طلحه بن عبیدالله بودیم، همه ما محرم بودیم، شخصی، پرنده ای را به او هدیه داد، و طلحه خواب بود، بعضی از ما از آن خورده، و بعضی دیگر از خوردن آن امتناع کرد، وقتی طلحه از خواب بیدار شد، به کسانی که از آن پرنده خورده بودند گفت: کار شما درست بوده و ما نیز در حالیکه با رسول الله صلی الله علیه وسلم محرم بودیم از گوشت آن خوردیم))

حیواناتی که محرم اجازه ی کشتن آنها را دارد

۷۹- از عائشه رضي الله عنها روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه

وسلم فرمود: ((پنج حیوان از موزی هستند؛ اگر آنها را در داخل محدوده ی حرم و یا خارج از آن دیدید، بکشید: مار، کلاغی که قسمتی از پشت و سینه اش سفیدرنگ است، موش، و درندگان، و باز شکاری)) [متفق علیه]

۸۰- از ابن عمر رضي الله عنهما روایت است که گفت: رسول الله صلی الله

علیه وسلم فرمود: ((کشتن پنج حیوان در درون محدوده ی حرم و یا خارج آن اشکالی ندارد: مار، کلاغ، و باز شکاری، و عقرب، و موش، و سگ درنده)). [متفق علیه]

۸۱- ابن عمر رضی الله عنهما از یکی از همسران رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می کند که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور داد سگ درنده، و موش، و عقرب، و باز شکاری، و کلاغ، و مار، حتی در نماز کشته شود)). [متفق علیه]

انتخاب فرد محرم بیمار از میان انواع مختلف فدیة در صورت نیاز

۸۲- از کعب بن عجره رضی الله عنه روایت است که: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم در یکی از روزهای حدیبیه به عیادت او آمد و فرمود: آیا حشره های سرت تو را اذیت می کنند؟ گفتم: بله، فرمود: موی سرت را بتراش، و به عنوان فدیة یک گوسفند را ذبح کن، در روایتی دیگر در صحیحین: (هر قربانی که برای تو امکان دارد را ذبح کن) یا سه روز روزه بگیر، و یا اینکه سه صاع غذا را میان شش مسکین توزیع کن)). [متفق علیه]

سه صاع: سه صاع خرما معادل ۳ کیلوگرم است.

۸۳- از کعب بن عجره رضی الله عنه روایت است که گفت: همراه با رسول الله به قصد عمره با احرام خارج شدیم، و سر و ریش من شپش زد. پس این موضوع به پیامبر صلی الله علیه وسلم ابلاغ شد ایشان آرایشگر را فراخواند، و موی سر من را

تراشید، سپس گفت آیا قربانی در اختیار داری؟ گفتم: توانایی آن را ندارم، پس به او دستور داد تا سه روز روزه بگیرد یا شش بینوا را غذا دهد، برای هر بینوا به مقدار نصف صاع، و الله این آیه را درباره ی این اتفاقی که برای کعب رخ داده بود نازل کرد: ﴿فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ﴾ ترجمه: (اگر کسی از شما بیمار شد و یا ناراحتی در سر داشت) پس از آن حکم این آیه برای عموم مسلمانان نیز بود».

حکم حجامت برای شخص محرم

۸۴- از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم در منطقه ای به نام لَحَى الْجَمَلْ به سبب سردردی که داشت از سر خود حجامت گرفت در حالیکه محرم بود)). [متفق علیه]
لحی الجمل: در فاصله تقریباً ده کیلومتری مدینه قرار دارد.

جواز مداوا نمودن چشم برای شخص محرم

۸۵- از عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت است که: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد شخصی که در احرام به سر می برد و دچار چشم درد شد فرمود: می تواند از دوی صبر (دارویی سرخ رنگ است که همچون سرمه از آن استفاده می شود) مصرف کند)) [روایت مسلم]

حکم استحمام برای شخص محرم

۸۶- از عبدالله بن حنین روایت است که می گوید: ((از ابو ایوب انصاری رضی الله عنه پرسیدم: رسول الله در حالت احرام چگونه سر خود را می شست؟ ابو ایوب در حال استحمام بود و پرده ای به دور خود کشیده بود با دست قسمت بالای پرده را پایین آورده تا اینکه سر ابو ایوب را دیدم، و به شخصی که بر سر او آب می ریخت گفت: که آب بریز، پس بر سر او آب ریخت و ابو ایوب با دست موهای سرش را می شست و دستانش را از جلو تا پشت سر برد سپس گفت من دیدم که رسول اله صلی الله علیه وسلم اینگونه می کرد)) [متفق علیه]

چگونگی کفن کردن شخص محرم

۸۷- از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((شخصی با رسول الله صلی الله علیه وسلم در عرفه ایستاده بود که ناگهان از شترش افتاده و شتر گردن آن مرد را شکست، و در نتیجه آن شخص وفات نمود، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: او را با آب و خلاصه ی برگ سدر غسل داده، و در دو لباس کفن کنید، - در روایتی دیگر آمده است: ((در لباس هایش کفن کنید)) - و هیچگونه خوشبویی بر بدن او نزنید، و سرش را نپوشانید - در روایت مسلم آمده است ((سر و صورتش را نپوشانید)) - و بر بدن او خوشبویی و حنوط نکشید)). [متفق علیه]

حاجی از کجا وارد مکه می شود؟

۸۸- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگام خروج از مدینه به سوی مکه از مسیر مسجد شجره که در ذوالحلیفه قرار داشت می رفت، و هنگام بازگشت به مدینه از مسیر معرس - سرزمین ریگی که میان ذوالحلیفه و مدینه قرار داشت - وارد مدینه می شد، و از مسیر الثنیه العلیاء که امروزه المعلاه نامیده می شود، وارد مکه می شد، و از مسیر الثنیه السفلی (المسفله) از مکه خارج می شد. [متفق علیه]

۸۹- عائشه رضی الله عنها می گوید: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم سال فتح مکه از مسیر کداء (الثنیه العلیاء) وارد مکه شد، و از مسیر کداء (الثنیه السفلی) خارج شد)). [متفق علیه]

استحمام پیش از ورود به مکه

۹۰- از نافع روایت است که: ((ابن عمر رضی الله عنهما با وارد شدن به حرم دست از لیبیک گفتن می کشید، سپس شب را در ذی طوی (جرول) سپری می کرد، و در آنجا نماز صبح را خوانده و غسل می کرد، و می گفت: که رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز همین کار را انجام می داد)). [متفق علیه]

چگونگی حج رسول الله صلی الله علیه وسلم

۹۱- جعفر بن محمد از پدرش روایت می کند: ((که او به جابر بن عبدالله رضی الله عنه گفت: حج رسول الله صلی الله علیه وسلم را برایم بازگو کن، پس با

دست خویش تا نه شمرد و گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم نه سال منتظر حج نشست، سپس در سال دهم بین مردم بانگ برآمد که رسول الله صلی الله علیه وسلم عازم حج هستند، پس مردم زیادی جهت حج کردن همراه ایشان به مدینه آمدند، تا اینکه با رسول الله صلی الله علیه وسلم حج نموده و از او اعمال حج را یاد بگیرند، سپس همراه ایشان از مدینه خارج شدیم تا اینکه به ذی الحلیفه رسیدیم، پس اسما دختر عمیس محمد فرزند ابوبکر را به دنیا آورد، و کسی را پیش رسول الله صلی الله علیه وسلم فرستاده تا از او پرسد که چکار باید بکند؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: غسل کرده، و جلوی خون را با پارچه ای گرفته و احرام ببند. سپس رسول الله در مسجد نماز خواند، و بر شتر قسوا سوار شد، تا اینکه به بیداء رسید، و من نگاهی به اطراف خود انداختم، و تا حد دید چشم، مردم از هر سمت و سو چپ و راست جلو و عقب اطراف رسول الله صلی الله علیه وسلم را فرا گرفته بودند، و بعضی سواره و بعضی دیگر پیاده بودند، در حالیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان ما بودند، و قرآن بر ایشان نازل می شد و ایشان منظور و معنی آیات را می فهمید، و هر کاری که ایشان انجام می دادند ما نیز انجام می دادیم. پس احرام خویش را با کلمه توحید آغاز نمود و فرمود: **لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ،** و مردم نیز همانگونه که امروزه می شنوی نیت کرده و احرام بستند، در حالیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم چیزی به آنان نمی گفت، ولی رسول الله صلی الله علیه وسلم فقط همان لبیک خود را تکرار می کردند. جابر رضی الله عنه گفت: ما نیتی جز حج نداشتیم، و قصد ادای عمره نداشتیم. تا اینکه کنار کعبه رسیدیم؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم حجر

اسود را لمس کرد؛ و هنگام طواف سه دور از ادوار طواف را دوان دوان و نیم خیز و چهار دور دیگر را آهسته رفته و بدینصورت هفت دور را به پایان رسانید، سپس به سمت مقام ابراهیم رفت و در آنجا: ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ [سورة البقرة: ۱۲۵]. را تلاوت نمود، و مقام ابراهیم را میان خویش و کعبه قرار داده و دو رکعت نماز خواند: و در رکعت اول پس از فاتحه سوره ی: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ [سورة الكافرون: ۱] را تلاوت نمود، و در رکعت دوم پس از فاتحه سوره ی: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ [سورة الإخلاص: ۱] را خواند. سپس به سوی صفا روانه شدند، و هنگامی که به آن نزدیک شدند: ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ [سورة البقرة: ۱۵۸]، تلاوت نمود و فرمودند: از همان جایی آغاز می کنم که الله آیه را با آن آغاز نموده است، پس از بالای صفا رفت تا اینکه کعبه را دید، سپس رو به قبله نموده و با توحید و تکبیر گفتن دعای خود را آغاز نمود و چنین فرمود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، و بعد از آن دعا نمودند، و این ذکر را سه مرتبه تکرار کرد و پس از هر بار دعا می کرد. سپس به سوی مروه حرکت کرد، و به محض اینکه به وسط مسیر سعی رسید، دوید، تا اینکه به بلندی رسید، پس مجدداً راه رفت، تا اینکه به مروه رسیدند، و همان کاری را که بر صفا انجام داد بر مروه نیز تکرار نمود. و زمانی که در آخرین دور بین صفا و مروه بود، فرمود: اگر پیش بینی می کردم و آنچه اکنون به آن پی بردم را هنگام نیت کردن می دانستم هدی و قربانی را با خود نمی آوردم و عمره ی جداگانه انجام می دادم، پس هر کس از شما با خود قربانی نیاورده است، از احرام بیرون آمده، و این طواف و سعی را به عنوان طواف و سعی عمره قرار دهد.

سراقه بن جعشم برخاست و پرسید: ای رسول الله! آیا این برای همین سال است یا برای همیشه؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم انگشتان دستش در هم فرو کرد و - دو مرتبه - فرمود: عمره برای همیشه و تا ابد در حج داخل شده است. و علی از یمن تعدادی از شتران رسول الله را با خود آورد، پس فاطمه را در حالی یافت که از جمله کسانی بود که از احرام خارج شده بودند، و لباس رنگی پوشیده بود و در چشمان خود سرمه کشیده بود، پس این کار را انکار کرد، فاطمه گفت: پدرم به من چنین دستوری داده است، علی در زمان خلافت خود در عراق می گفت: نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتم در حالی که از عمل فاطمه اعتراض داشتم و از رسول الله در مورد آنچه فاطمه برای من از رسول الله بازگو کرده بود قصد سوال پرسیدم، و گفتم که من عمل او را انکار کرده ام پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: راست گفته است راست گفته است، تو ای علی هنگام نیت کردن چه گفتی؟ علی گفت: من گفته ام همانگونه که پیامبر صلی الله علیه وسلم نیت کرده است نیت می کنم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: پس من با خود هدی و قربانی دارم پس از احرام خود خارج نشو، جابر می گوید: مجموع هدی و قربانی رسول الله از جمله آنچه علی با خود از یمن آورده بود و آنچه رسول الله با خود از مدینه آورده بود صد قربانی شد پس تمامی مردم پس از ادای طواف و سعی عمره از احرام خارج شدند جز رسول الله و کسانی که مانند ایشان با خود قربانی آورده بودند، و روز ترویبه (روز هشتم ذیحجه) مردم روانه ی منی گشتند، و برای حج نیت کرده و احرام بستند، و رسول الله صلی الله علیه وسلم سوار بر شتر خود به منی رفته و در منی نماز ظهر و عصر، و مغرب و عشاء، و صبح را خواند، سپس تا طلوع خورشید منتظر ماند،

و دستور داد، تا برای او در نمره سایه بانی بر پا کنند. پس رسول الله از منی به سوی عرفه حرکت کرد و قبیله قریش گمان می کرد که رسول الله همچون قبیله قریش در جاهلیت از محدودی حرم یعنی مزدلفه و مشعر الحرام خارج نخواهد شد، پس رسول الله از مزدلفه عبور کرد تا اینکه به عرفه رسید در حالی که در نمره برای او سایه بانی بر افراشته بودند، پس در زیر سایه بان اتراق نمود، تا زمانیکه که آفتاب مایل شد، دستور دادند تا شتر ایشان - یعنی: قصواء - را برای ایشان حاضر کنند، پس سوار بر آن حرکت نمودند تا اینکه به میانه گذرگاه آب رسید، و در آنجا برای مردم خطبه ایراد نمود و فرمود: خون ها و دارایی شما بر یکدیگر حرام است، مانند حرمتی که این روز، و این ماه، و این سرزمین دارد. آگاه باشید که هر امری از امور دوران جاهلیت بی ارزش بوده و زیر پاهای من لگد مال می نمایم، و خون خواهی های دوران جاهلیت هدر است، و اولین خونی که از آن گذشت خواهم کرد: خون ابن ربیع بن الحارث است، که از شیر خوارگان قبیله بنی سعد بود، و قبیله هذیل او را به قتل رساند. و ربای دوران جاهلیت باطل است، و اولین ربایی که از دوران جاهلیت آن را زیر پا خواهم گذاشت: ربای ما، ربای عباس بن عبدالمطلب است. در حق زنان تقوای الله را پیشه کنید، چرا که شما مسئولیت آنان را با عهد و پیمان الهی پذیرفته اید، و همبستری با آنان را با نام الله بر خود حلال گردانیده اید، و حق شما بر آنان این است که اجازه ورود کسی که شما رضایت ندارید را به منزلتان ندهند، و اگر این کار را انجام دادند، و اگر شما نافرمانی کردند پس آنان را بدون اینکه مجروح ساخته یا دردی داشته باشد بزنید، و حق آنان بر گردن بر شما این است که خورد و خوراک و پوشاک و ما یحتاج آنان را فراهم سازید. و در میان

شما چیزی را به ارث گذاشته ام، که اگر به آن چنگ زنی هرگز گمراه نخواهید شد، و این همان قرآن است. از شما در مورد من پرسیده خواهد شد، جواب شما چیست؟ گفتند: گواهی می دهیم که تو پیام الهی را رسانده و امت را نصیحت کردی. پس انگشت اشاره خویش را به سوی آسمان بالا برده، و به طرف مردم فرود آورد: در حالیکه می گفت: بار الها! شاهد باش، بار الها! شاهد باش، بار الها! شاهد باش. سپس اذان گفته شد، و نماز ظهر اقامه شد پس با امامت پیامبر نماز ادا شد، و بعد از آن نماز عصر اقامه شد، و بین دو نماز، هیچ نماز مستحبی نخواند. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم سوار بر شتر شده تا اینکه به سرزمین (عرفات) رسیدند، پس شکم شترش را به سوی صخره ها کرده، و رو به قبله نمود، و تا غروب خورشید بر این حالت ماند و بر شتر ایستاده دعا کرد، تا اینکه خورشید غروب کرده و زردی کم رنگ شده و قرص خورشید کاملاً غروب کرد. و اسامه را پشت سر خود بر بالای شتر نشانده، و شروع به حرکت کرد، و لگام قصواء را طوری کشیده بود که سر شتر به زین شتر می رسید، و با دست راست مردم را به آرامش دعوت می کرد، و می فرمود ای مردم آرام آرام راه بروید، و هرگاه به بلندی می رسید کمی لگام شتر را رها می کرد تا بهتر بتواند بالا برود. تا اینکه به مزدلفه رسیدند، و در آن نماز مغرب و عشاء را جمع نموده و بین دو نماز، هیچ نماز مستحبی نخواند. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم تا طلوع فجر دراز کشیدند، و با طلوع فجر نماز صبح را بعد از اذان و اقامه ادا نمود. سپس بر قصواء سوار شد، تا اینکه به مشعر الحرام (در مزدلفه) رسید، پس رو به قبله کرده و دعا نموده و توحید و بزرگی و حمد و سپاس الله را بجای آوردند، و به دعا کردن ادامه داد تا اینکه هوا کاملاً روشن گشت. پس

ایشان قبل از طلوع خورشید حرکت نمودند، و این بار فضل بن عباس را پشت سر خویش سوار کرد، و نوجوانی سفید چهره و زیبایی بود که موهای زیبایی داشت، پس وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم حرکت کردند از کنار دختران نوجوانی گذشتند که در حال دویدن بودند، و فضل به آنها نگاه می کرد پس رسول الله دستش را بر صورت فضل گذاشت و صورت او را به سمت دیگر چرخاند پس فضل از سمت دیگر به آنها نگاه می کرد و رسول الله مجددا صورت او را به سمت دیگر چرخاند و فضل از سمت دیگر به آنها نگاه می کرد، تا اینکه به میانه ی محسر که گذرگاه آب بود، رسید، و با سرعت بیشتری از آنجا عبور کرد، و سپس کمی از مسیر خویش فاصله گرفته و مسیری که در میانه بود و منتهی به جمره بزرگ می شد، را در پیش گرفت، تا اینکه به جمره بزرگ رسیده و هفت سنگریزه به سوی آن پرتاب کرد،- در حالیکه به همراه هر سنگی الله اکبر می گفت-، سنگریزه هایی کوچک به اندازه نخود، و آنها را از میانه ی گذرگاه آب پرتاب نمودند. سپس به سوی قربانگاه رفت، و با دستان خود شصت و سه شتر را نحر نمود، سپس به علی دستور داد تا قربانی های باقیمانده را ذبح کند و در قربانی با ایشان شریک شود. سپس دستور دادند تا از هر قربانی مقداری گوشت برداشته و آنها را درون یک دیگ بپزند، و از گوشت آنها خورده، و آب گوشت آن را میل نمود. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم سوار بر شتر شده و برای طواف افاضه به سمت کعبه رفت، پس نماز ظهر را در مکه ادا نمود، سپس نزد فرزندان و نوادگان عبدالمطلب آمد درحالیکه برای مردم از چاه زمزم آب می کشیدند، پس فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب مردم را سیراب کنید اگر ترس نداشتم که مردم برای شما مزاحمت

ایجاد کنند؛ من نیز همراه شما آب می کشیدم و مردم را سیر آب می کردم، سپس به ایشان ظرفی از آب دادند و ایشان از آن آب نوشیدند)). [روایت مسلم]

حکم وضو گرفتن برای طواف

۹۲- از عائشه رضي الله عنها روایت است که گفت: ((اولین کاری که رسول الله پس از رسیدن به مکه انجام داد وضو گرفتن، و طواف به دور کعبه بود)). [متفق علیه]

انسان برهنه و مشرک نباید به دور کعبه طواف کند

۹۳- از ابوهریره رضي الله عنه روایت است که گفت: ((رسول الله یک سال پیش از حجة الوداع ابوبکر صدیق را مامور رهبری مردم در حج نمود، و ابوبکر من را همراه گروهی فرستاد تا به مردم در روز نحر اعلام کنیم: که از امسال به بعد هیچ مشرکی اجازه ی حج ندارند، و نیز از امسال به بعد کسی حق ندارد لخت به دور کعبه طواف کند)). [متفق علیه]

بوسیدن حجر اسود

۹۴- از عمر بن الخطاب رضي الله عنه روایت است که نزد حجر الاسود آمده و گفت: من می دانم که تو سنگی بیش نیستی، که توان سود و زیان رساندن به کسی را نداری، اگر نمی دیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم تو را می بوسید من نیز تو را نمی بوسیدم)). [متفق علیه]

۹۵- از زبیر بن عربی روایت است که گفت: مردی از ابن عمر درباره ی بوسیدن حجر الاسود پرسید او گفت: من رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیدم که آن را لمس می کرد و می بوسید روایت بخاری

۹۶- از عمر رضی الله عنه روایت است که حجر الاسود را بوسید و لمس کرد و به آغوش گرفت و گفت: ((من رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیدم که به تو اهمیت ویژه ای می داد)) روایت مسلم

۹۷- نافع می گوید: ((ابن عمر رضی الله عنهما را دیدم که حجر اسود را لمس کرده سپس دستش را می بوسید، و گفت: من از روزی که رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیدم که این کار را می کند هرگز آنرا ترک نکرده ام)). [روایت مسلم]

لمس حجر الأسود و رکن حجر الأسود با عصا

۹۸- ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: ((که رسول الله صلی الله علیه وسلم سوار بر شتری در حجه الوداع بر کعبه طواف نمود، و با عصای خود که نوک کجی داشت، حجر الاسود را لمس می کردند)).

در روایتی نزد بخاری: ((هرگاه نزدیک رکن می آمد با چیزی که در دست داشتند به سوی آن اشاره نموده و الله اکبر می گفت)) [متفق علیه]

۹۹- از ابی الطفیل رضی الله عنه روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیدم که کعبه را طواف می کند، و با عصایی که نوک کجی داشت حجر الاسود را لمس می کرد، و سپس عصا را می بوسید)). [روایت مسلم]

حکم رمل و طواف کردن به صورت دوان دوان

و نیم خیز در حج و عمره

۱۰۰- از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم اولین عملی که بعد از رسیدن به کعبه انجام می داد این بود که سه دور دوان دوان طواف می کرد، و سپس چهار دور دیگر را آرام راه می رفت، سپس دو رکعت نماز خواند و پس از آن برای سعی میان صفا و مروه رفت)). [متفق علیه]

۱۰۱- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم در طواف دور کعبه سه دور از حجر الاسود تا حجر الاسود را دوان دوان راه رفت و چهار دور دیگر اه آهسته راه رفت)) متفق علیه

تاریخچه ی آغاز رمل کردن و به صورت نیم خیز طواف کردن

۱۰۲- از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحابش به مکه رسیدند، و مشرکین با دیدن آنها گفتند: او در حالی پیش شما آمده است که بیماری و تب یثرب آنها را از پای در آورده است. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم به یاران خویش دستور داد تا سه دور از طواف را دوان دوان، و چهار دور دیگر را آرام راه بروند، و فقط شفقت پیامبر صلی الله علیه وسلم نسبت به آنان مانع شد از اینکه آنان را امر کند که هر هفت دور را دوان دوان طواف کنند)). [متفق علیه]

۱۰۳- از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((رسول الله دوان دوان به دور کعبه طواف کرد تا مشرکین قدرت و توانایی او را ببینند)).
[متفق علیه]

حکم سواره طواف و یا سعی کردن

۱۰۴- از ام سلمه رضی الله عنها روایت است که گفت: ((من نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفته و بیماری خودم را برای ایشان بازگو کردم، ایشان فرمود: سوار بر شتر، و با فاصله از مردم طواف کن. و در حالیکه طواف می کردم رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیدم که کنار کعبه در حال نماز خواندن بودند، و در نماز سوره طور را می خواند)). [متفق علیه]

۱۰۵- از ابی الطفیل رضی الله عنه روایت است که گفت: به ابن عباس گفتم: آیا سعی میان صفا و مروه بر سواری سنت است؟ گفت: همه ی مردم حتی دختران بالغ و زنان برای ملاقات با رسول الله از خانه خارج شدند و می گفتند این محمد است، این محمد است، و رسول الله صلی الله علیه وسلم مردم را از خود دور نمی کرد، ولی با شلوغی بسیار ناچار بر شتر سوار شد.)) [روایت مسلم]

۱۰۶- از جابر بن عبد الله رضی الله عنهما روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم در حجة الوداع به این علت بر سواری طواف کعبه و سعی میان صفا و مروه کرد تا مردم او را ببینند؛ و آنان را زیر نظر داشته باشد، زیرا مردم دور ایشان را شلوغ کردند.

آنچه در مورد سعی بین صفا و مروه روایت شده است

۱۰۷- از ابن عمر رضي الله عنهما روایت است که گفت: (رسول الله صلى الله عليه وسلم هنگام سعی میان صفا و مروه در میانه ی سعی (که امروزه با چراغ های سبز علامتگذاری شده)، دویدند)). [متفق علیه]

۱۰۸- از عائشه رضي الله عنها روایت است که گفت: ((انصار و قبيله غسان قبل از اسلام آوردن برای زیارت بت منات احرام می بستند، از این رو سعی کردن میان صفا و مروه را نمی پسندیدند، و این راه و روش پدران و نیاکان آنان بود، و هر کس به قصد زیارت منات نیت حج کرده و احرام می بست؛ نباید میان صفا و مروه سعی می کرد. و آنان بعد از اسلام آوردن در مورد سعی میان صفا و مروه از رسول الله صلى الله عليه وسلم پرسیدند: پس الله متعال این آیه را نازل فرمود: ﴿إِنَّ الصَّفَاَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ [سورة البقرة: ۱۵۸] ترجمه: «صفا و مروه از نشانه های [ظاهری شریعت] الله است؛ پس هر کس که حج خانه [کعبه] یا عمره به جای می آورد بر او گناهی نیست (بلکه واجب است) طواف [سعی] بین آن دو را [نیز] انجام دهد [و این کار، از رفتارهای جاهلیت تلقی نمی گردد]؛ و کسی که به میل خود کار نیکی انجام دهد، [بداند که] بی تردید، الله سپاس گزار و دانا است».

تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سر پس از پایان حج یا عمره

۱۰۹- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم در حج موی سر خود را تراشیدند و بعضی از صحابه همراه ایشان موی خود را تراشیده و بعضی دیگر نیز موی سر خود را کوتاه کردند)). [متفق علیه]

۱۱۰- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ((بار الها! کسانی که موی سر خود را تراشیدند؛ را مورد رحمت خود قرار بده، گفتند: ای رسول الله! و همچنین کسانی که موی سر خود را کوتاه کردند؟ ایشان فرمودند: بار الها! کسانی که موی سر خود را تراشیدند؛ را مورد رحمت خود قرار بده، گفتند: ای رسول الله! و همچنین کسانی که موی سر خود را کوتاه کردند؟ پس ایشان فرمودند: و همچنین کسانی که موی سر خود را کوتاه کردند)). [متفق علیه]

۱۱۱- از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ((بار الها! کسانی که موی سر خود را تراشیدند؛ را مورد رحمت خود قرار بده، گفتند: ای رسول الله! و همچنین کسانی که موی سر خود را کوتاه کردند؟ ایشان فرمودند: بار الها! کسانی که موی سر خود را تراشیدند؛ را مورد رحمت خود قرار بده، گفتند: ای رسول الله! و همچنین کسانی که موی سر خود را کوتاه کردند؟ پس ایشان فرمودند: و همچنین کسانی که موی سر خود را کوتاه کردند)). [متفق علیه]

۱۱۲- از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: ((زمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم به سوی جمرات سنگریزه ها را پرتاب کردند و قربانی

های خود را ذبح نمود، آرایشگر را برای تراشیدن سر خود فرا خواند، پس شخص آرایشگر اول سمت راست سر ایشان را تراشید، سپس ایشان ابوطلحه انصاری را صدا زد، و موی قسمت راست سر خود را به او داد، و پس از کوتاه کردن سمت چپ نیز او را صدا زد، در روایت مسلم آمده است: موی سمت چپ سر خود را به ام سلیم داد، و به او فرمود تا آن را میان مردم تقسیم کند.)) و در روایتی نزد مسلم آمده است: پس یک یک تار و دو تار دوتار میان مردم توزیع کرد) [متفق علیه]

۱۱۳- از معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((موی سر رسول الله صلی الله علیه وسلم را با سر نیزه ی تیزی کوتاه نمودم، و در روایت مسلم آمده است: ((بر روی موی ایشان را کوتاه کردم)). [متفق علیه]

نماز ظهر را در روز هشتم کجا خوانده می شود؟

۱۱۴- از عبدالعزیز بن رفیع روایت است که گفت: ((از انس بن مالک رضی الله عنه پرسیدم: که رسول الله صلی الله علیه وسلم روز ترویبه (روز هشتم ذیحجه) نماز ظهر - و در روایت بخاری: ((ظهر و عصر)) - را کجا ادا نمود؟ گفتم: پس روز سیزدهم نماز عصر را کجا ادا کرد؟ گفت: در ابطح (منطقه ای بین مکه و منی) ادا نمود. (متفق علیه)

لیک و تکبیر گفتن هنگام حرکت از منی به سوی عرفات

۱۱۵- از محمد بن ابی بکر ثقفی روایت است که گفت: در حالی که همراه

انس بن مالک رضي الله عنه از منی به سوی عرفه می رفتیم از او پرسیدم: در این روز در رکاب رسول الله صلی الله علیه وسلم چه کاری انجام می دادید؟ گفت: در این روز افرادی لیبک می گفتند و بعضی ها الله اکبر سر می دادند، و هیچ کس بر دیگری ایراد نمی گرفت)). و در روایت مسلم: ((بعضی از ما تکبیر می گفتند و بعضی دیگر لا اله الا الله می گفتیم، و هیچ یک از ما بر همراه خود ایراد نمی گرفت)). [متفق علیه]

فضیلت روز عرفه

۱۱۶- از عائشه رضي الله عنها روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ((هیچ روزی وجود ندارد که الله متعال در آن بیشتر از روز عرفه انسان ها را از آتش جهنم رها سازد، الله متعال در این روز به بندگان نزدیک شده و با افتخار مباحات به آنان خطاب به فرشتگان خود می گوید: اینها اینجا چه می خواهند؟)). [روایت مسلم]

زود رفتن به سوی عرفه

۱۱۷- از سالم بن عمر روایت است که گفت: عبدالملک بن مروان خطاب به حجاج نوشت که در امور و احکام حج با ابن عمر مخالفت نکن، پس ابن عمر روز عرفه پس از اینکه خورشید از وسط آسمان به سمت غروب مایل شد آمد و من همراه او بودم، پس در کنار خیمه ایستاد و با صدای بلند حجاج را فراخواند، حجاج در حالی از خیمه خارج شد که پارچه ای سرخ رنگ مایل به زرد بر خود

پیچیده بود، گفت: چه شده ای ابو عبدالرحمن؟ ابن عمر گفت اگر قصد پیروی از سنت داری پس در اول صبح باید به سمت عرفه حرکت کنی، حجاج گفت: یعنی هم اکنون؟ ابن عمر گفت: بله. حجاج گفت: پس بگذار تا استحمام کنم سپس حرکت کنم، پس اتراق کرد تا اینکه حجاج خارج شد و میان من و پدرم راه می رفت، پس سالم گفت: اگر می خواهی از سنت پیروی کنی پس خطبه ها را کوتاه کرده، و بیشتر در عرفه بایست، پس حجاج به عبدالله نگاه کرد، عبد الله گفت: راست می گوید. (روایت بخاری)

وقوف در عرفه

۱۱۸- از عائشه رضی الله عنها رضی الله عنه روایت است که گفت: ((قریش و همراهان شان، در مزدلفه توقف می کردند، و این کار خویش را حمس می نامیدند، و بقیه عرب در عرفات توقف می کردند، و پس از اسلام الله متعال به رسول الله صلی الله علیه وسلم دستور داده تا به عرفات آمده و در آن بایستد، سپس از آن دوباره برگردد؛ و این همان مصداق فرموده الله است: ﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ﴾ [سورة البقرة: ۱۹۹] ترجمه: (سپس از همان جایی که مردم حرکت می کنند شما نیز حرکت بکنید).

۱۱۹- جبیر بن مطعم رضی الله عنه می گوید: شترم، گم شد. و روز عرفه، برای پیدا کردن آن، بیرون رفتم. رسول الله صلی الله علیه وسلم را همراه مردم، در عرفات، در حال وقوف، دیدم. گفتم: سوگند به الله که این مرد، از حمس (یعنی:

قریش) است؛ اینجا چه کار می‌کند؟! (متفق علیه)

حمس: به این علت با این نام شناخته می‌شدند که در دین خوت سختگیری می‌کردند.

دستور رسول الله بر رعایت آرامش هنگام وقت خروج از عرفه

۱۲۰- از اسامه بن زید رضي الله عنهما - همراه رسول الله از عرفه به منی - پرسیده شد: رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگام بازگشت از عرفات چگونه مسیر را طی می‌کرد؟ ایشان گفت: سرعت متوسطی داشت ولی هرگاه به مسیر گسترده تری می‌رسید، سریعتر مسیر را می‌پیمود)). [متفق علیه]

۱۲۱- از عبدالله بن عباس رضي الله عنهما روایت است که ایشان روز عرفه همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم بازگشت، رسول الله صلی الله علیه وسلم پشت سر خود صدای بلندی برای حرکت شترها و صدای شلاق زدن شدید به شترها را شنید، پس با شلاق خود به سوی مردم اشاره نمود و فرمود: ای مردم! آرامش خود را حفظ کنید، چرا که راه رفتن سریع نشانه ی نیکوکاری نیست)). [روایت بخاری]

۱۲۲- فضل بن عباس - همراه رسول الله بر شتر سوار بود - فضل می‌گوید: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم شب، زمان بازگشت از عرفه، و روز حرکت از مزدلفه به مردم می‌فرمود: ای مردم! آرام باشید، در حالیکه ایشان لجام شترش را محکم گرفته بودند تا از سرعت آن بکاهد، و زمانی که وارد گذرگاه آبی محسر شد، - و این گذرگاه در محدوده ی منی است - فرمود: سنگریزه های کوچک

برای رمی جمرات بردارید)).

محسر گذگاه آبی است که از مزدلفه تا منی امتداد دارد.

لیک گفتن در شب مزدلفه

۱۲۳- از ابن مسعود رضي الله عنه روایت است که در عرفات گفت: از کسی که بقره بر او نازل شد (رسول الله صلی الله علیه وسلم) شنیدم که در این مکان می گفت: **لَيْكَ اللَّهُمَّ لَيْكَ**)). [روایت مسلم]

جمع بین نماز مغرب و عشا در مزدلفه

۱۲۴- از اسامه بن زید رضي الله عنهما روایت است که گفت: ((زمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم از عرفه بازمی گشت، به دره ای رسید پس پایین آمده و برای قضای حاجت رفت، و وضوی مختصری گرفت، من پرسیدم: ای رسول الله! چه وقت نماز بخوانیم؟ فرمود: نماز را جلوتر ادا خواهیم کرد. سپس بر شتر خود سوار شد، و پس از اینکه به مزدلفه رسید وضوی کاملی گرفت، سپس نماز اقامه شد، پس نماز مغرب را ادا کرد، سپس شتربانان، شتران خود را خواباندند، و در روایتی نزد مسلم آمده است: (و بار را از روی شترها باز نکردند تا اینکه نماز عشا اقامه شد) و نماز عشاء اقامه شد، ایشان نماز عشاء را ادا کرد و هیچ نماز مستحبی میان نماز مغرب و عشا نخواند)). [متفق علیه]

۱۲۵- از ابن عمر رضي الله عنهما روایت است که می گوید: ((که رسول الله

صلی الله علیه وسلم نماز مغرب و عشاء را در مزدلفه به صورت جمع ادا کرد، و در میان این دو نماز هیچ نماز مستحبی نخواند، نماز مغرب را سه رکعت و نماز عشاء را دو رکعت خواند)). در روایت مسلم آمده است: ((که دو نماز را با یک اقامه خواند)). [متفق علیه]

زمان نماز صبح در مزدلفه

۱۲۶- از ابن مسعود رضي الله عنه روایت است که می گوید: ((هرگز ندیده ام که رسول الله صلی الله علیه وسلم نمازی را در غیر وقت آن بخواند مگر دو نماز: نماز مغرب و عشاء در مزدلفه، و نماز صبح در آن روز را نیز قبل از وقتش ادا نمود)). [متفق علیه]

جایز بودن حرکت زنان از مزدلفه به سوی منی پیش از صبح

۱۲۷- از عائشه رضي الله عنها روایت است که می گوید: ((از آنجایی که سوده زن آهسته راه می رفت و کهنسال بود از رسول الله صلی الله علیه وسلم اجازه گرفت تا شب مزدلفه پیش از شلوغی مردم حرکت کند، رسول الله صلی الله علیه وسلم به ایشان اجازه داد، سپس او نیز قبل از حرکت رسول الله صلی الله علیه وسلم راه افتاد، ولی رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما اجازه ی حرکت نداد تا اینکه صبح بر آمد، پس همراه ایشان به راه افتادیم)). [متفق علیه]

۱۲۸- عبدالله - خدمتکار اسماء - روایت است که اسماء دختر ابوبکر با

رسیدن به مزدلفه، مدتی را به نماز خواندن سپری نمود، سپس گفت: ای فرزندم! آیا ماه غروب کرد؟ گفت: نه. سپس دوباره مدتی نماز خوانده و دوباره پرسید: آیا ماه غروب کرد؟ گفت: بله. پس حرکت کرد، و ما نیز همراه آنان راه افتادیم، تا اینکه جمرات را با سنگ زده و سپس به اتراقگاه خود باز گشت و نماز صبح را خواند، پس من گفتم: فکر کنم قبل از وقت حرکت کردیم. او گفت: فرزندم رسول الله صلی الله علیه وسلم به زنان اجازه ی این کار را داد)). [متفق علیه]

۱۲۹- از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم شب مزدلفه سحرگاه من را همراه با زنان کهنسال، از مزدلفه به سوی جمرات فرستاد)). [متفق علیه]

زمان حرکت از مزدلفه

۱۳۰- از عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت است که گفت: مشرکین از مزدلفه حرکت نمی کردند تا اینکه خورشید بر کوه ثبیر طلوع کرده و مشاهده می شد، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم با آنان مخالفت نموده و پیش از طلوع خورشید حرکت کرد)). [روایت بخاری]

ثبیر: کوه معروفی در مکه است، و دقیقاً واقع در مزدلفه است که هنگام رفتن به منی در سمت چپ قرار می گیرد.

زمان توقف لیک گفتن

۱۳۱- از فضل بن عباس رضي الله عنهما روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم تا پیش از پرتاب کردن سنگریزه ها به جمره ی عقبه لیک می گفت)). [متفق علیه]

پرتاب جمرات و سنگریزه ها

۱۳۲- از عبدالله بن مسعود رضي الله عنه روایت است که با رسیدن به جمره عقبه به وسط وادی رفت، و در عرض جمره ایستاد - در روایتی دیگر نزد شیخین: ((کعبه را در سمت چپ خود و منی را در سمت راستش قرار دادند)) سپس جمره را با هفت سنگریزه زد، و هنگام هر سنگریزه ای الله اکبر می گفت، سپس گفت: - سوگند به پروردگاری که هیچ معبود بر حقی غیر از او وجود ندارد - این همان جایی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم - آنکه سوره بقره بر او نازل شد - ایستاده بود)). [متفق علیه]

۱۳۳- از ابن عمر رضي الله عنهما روایت است که می گوید: ((منتظر بودیم تا به محض مایل شدن خورشید از وسط آسمان سنگریزه را به سمت جمره می زدیم)). [روایت بخاری]

وقت پرتاب سنگریزه ها

۱۳۴- از جابر بن عبدالله رضي الله عنهما روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم روز عید وقت ضحی (چاشت) به سوی جمرات برای پرتاب

سنگریزه ها رفت، و در سایر روزها بعد از زوال خورشید برای پرتاب سنگریزه ها
به سوی جمرات رفت)). [روایت مسلم]

روش ایستادن هنگام پرتاب سنگریزه ها

۱۳۵- از سالم روایت است که گفت: ((عبدالله بن عمر رضي الله عنهما اولین
جمره را با هفت سنگریزه زد، و همراه پرتاب هر سنگریزه، الله اکبر می گفت، سپس
جلوتر از ستون جمره رفته و در مکانی بلند تر ایستاد، و رو به قبله نمود و دستانش
را بالا برده و مدت زمان طولانی را به دعا کردن پرداخت. سپس به همین صورت
نزد جمره وسطی عمل کرد، و دوباره برای دعا کمی جلوتر از ستون به سمت چپ
رفته و رو به قبله نموده و دستانش را برای دعا بلند نمود. سپس جمره اخیر را از
وسط وادی با سنگریزه زد، و بعد از آن توقف نکرد، و می گفت: رسول الله صلی
الله علیه وسلم اینگونه عمل می کرد)). [روایت بخاری]

حکم پرتاب کردن سنگریزه ها به صورت سواره

۱۳۶- از جابر بن عبدالله رضي الله عنهما روایت است که گفت: ((رسول الله
صلی الله علیه وسلم را روز نحر (عید قربان) مشاهده نمودم که از بالای شتر به
جمرات سنگ می زد، و می فرمود: مناسک حج را از من بیاموزید؛ چرا که من نمی
دانم، شاید این آخرین حج من باشد)). [روایت مسلم]

۱۳۷- از ام‌الحصین رضی الله عنها روایت است که گفت: ((در حجه الوداع همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم حج نمودم، هنگام سنگ زدن جمره عقبه ایشان را در حال برگشتن مشاهده نمودم که سوار بر شتر بود و بلال و اسامه همراه او بودند؛ یکی از آنها لگام شتر را به دست گرفته، و دیگری بر رسول الله صلی الله علیه وسلم سایه انداخته بود، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم سخنان زیادی را ایراد نمود، که از جمله این سخنان این بود: اگر امیر و رهبر شما برده ای بود که حتی اعضای او بریده شده بود، و او شما را مطابق با قرآن رهبری می کرد، سخن او را شنیده و از او فرمان برداری کنید)). [روایت مسلم]

رمی جمرات با هفت سنگریزه انجام می شود

۱۳۸- از جابر رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: « طهارت نمودن بعد از قضا حاجت، و رمی جمرات، و سعی میان صفا و مروه، و طواف، تعداد همه ی آنها وتر و فرد است. و هرگاه یکی از شما خواست بعد از قضا حاجت با سنگ، طهارت نماید، با سنگ‌های فرد، طهارت کند» [روایت مسلم]

حکم تاخیر در پرتاب سنگریزه ها تا شب به علت فراموشی یا جهالت

۱۳۹- از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که شخصی از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید که قبل از زوال خورشید سنگ زده بود؛ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: اشکالی ندارد)). [روایت بخاری]

آب رسانی به حجاج

۱۴۰- عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم پیش کسانی که آب توزیع می کردند آمد، و آب زمزم درخواست نمود، پس عباس به فضل گفت: برو پیش مادرت و آب نوشیدنی برای رسول الله صلی الله علیه وسلم بیاور، رسول الله صلی الله علیه وسلم به عباس گفت: از همین آب به من بده، او گفت: یا رسول الله! مردم دستان خود را در آن قرار می دهند، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: از همین آب به من بده، و از آن نوشید. سپس بالای چاه زمزم رفت در حالیکه برخی از چاه آب می کشیدند و مشغول کار بودند، فرمود: در این کار خود بکوشید به راستی که شما مشغول کار و فعالیت خیر و نیکی هستید. سپس فرمودند: اگر از این نمی ترسیم که مردم بر شما هجوم بیاورند؛ داخل چاه آمده و ریسمان را بر شانه خود گذاشته و همراه شما از چاه آب می کشیدم)).

[روایت بخاری]

۱۴۱- از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: در حالی که اسامه پشت سر پیامبر صلی الله علیه وسلم بر شتر سوار بود، آمد و پیامبر آب خواست. ما به ایشان یک ظرف نیند (آبی که در آن از شب، خرما یا کشمش انداخته‌اند) تقدیم نمودیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نوشید و باقیمانده‌اش را به اسامه داد و فرمود: «کار خوب و زیبایی انجام دادید؛ اینگونه عمل کنید». (روایت مسلم)

استحباب طواف افاضه در روز عید قربان

۱۴۲- از ابن عمر رضي الله عنهما روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم روز نحر (عید قربان) طواف افاضه را انجام داد و سپس به منی بازگشت و نماز ظهر را در منی خواند)). [روایت مسلم]

تمام محدوده ی منی مکانی برای قربانی است

۱۴۳- از جابر بن عبدالله رضي الله عنهما روایت است که: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: من اینجا قربانی کردم، و تمام منی قربانگاه است، پس در مکان اتراق و سکونت خود قربانی بکنید. و من اینجا (در عرفات) ایستادم، و تمام عرفه مکان توقف در روز عرفه است، و من اینجا (مزدلفه) شب را سپری کردم، و تمام مزدلفه جایی برای شب سپری کردن است)).

حکم بستن پاهای شتر هنگام قربانی و نحر کردن

۱۴۴- از عبدالله بن عمر رضي الله عنهما روایت است که: ((ایشان مردی را دید که شتر خویش را در حالی قربانی می کند که آنرا خوابانده و پایش را بسته است، به او گفت: شترت را ایستاده در حالیکه پای چپش بسته است قربانی کن؛ همانگونه که رسول الله صلی الله علیه وسلم قربانی نمود)). [روایت بخاری]

نحر و قربانی کردن شتر به صورت ایستاده

۱۴۵- از انس بن مالک رضي الله عنه روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم با دستانش هفت شتر را ایستاده نحر و قربانی کرد)). [روایت

[بخاری]

صدقه دادن گوشت و پوست و بقایای قربانی

۱۴۶- از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم من را بر قربانی های خود گمارد، تا گوشت و پوست و خورجین آنها را صدقه دهم، و از گوشت و پوست آن به قصاب چیزی ندهم، و فرمود: من خودم کرایه اش را خواهم داد)). [متفق علیه]

قربانی کردن گاو

۱۴۷- از جابر رضی الله عنه روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم روز عید قربان به نیابت عایشه گاوی را قربانی کرد)) (روایت مسلم)

مشارکت در قربانی

۱۴۸- از جابر بن عبدالله روایت است که گفت: ((همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم حج نمودیم، در هر نفر شتر و هر راس گاو هفت فرد مشارکت داشتند، و برای قربانی از هفت شخص کفایت می کرد)). [روایت مسلم]

حکم تقدیم عملی از اعمال حج بر عمل دیگر

۱۴۹- از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم در حجه الوداع در منی ایستاد تا مردم سوالات خود پرسند.

پس مردی گفت: ای رسول الله! ندانسته قبل از رمی جمرات سرم را تراشیدم. فرمودند: هیچ اشکالی ندارد. سپس مرد دیگری آمده و گفت: ای رسول الله! ندانسته پیش از رمی جمرات قربانی کردم؟ فرمود: هیچ اشکالی ندارد. در روایتی در مسلم آمده است: ((من برای طواف به دور کعبه رفتم پیش از اینکه رمی جمرات بکنم، فرمود: هیچ اشکالی ندارد)). و از ایشان در مورد چیزی پرسیده نشد که عقب و یا جلو انداخته شده بود، مگر اینکه می فرمود: انجام بده و هیچ اشکالی ندارد)). [متفق علیه]

حکم کسی که شب های منی را به علت بیماری در مکه سپری کند

۱۵۰- از ابن عمر رضي الله عنهما روایت است که گفت: ((عباس بن عبدالمطلب از رسول الله صلی الله علیه وسلم اجازه گرفت تا شب های منی جهت آب دادن به حجاج در مکه بماند، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم به او اجازه داد)). [متفق علیه]

طواف وداع

۱۵۱- ابن عباس رضي الله عنهما روایت می کند که: ((به همه ی مردم - بجز زن حایض - دستور داده شد تا آخرین عمل آنها طواف کعبه باشد)). [متفق علیه]

۱۵۲- از انس بن مالک رضي الله عنه روایت است که: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را خوانده، و سپس در محصب خوابید،

سپس سوار بر شتر شده و به سمت کعبه روانه شد و بر آن طواف نمود)). [روایت بخاری]

محبص: پس از عقبه ی کبرد به سمت مکه است و امروزه به ماجر کبش معروف شناخته می شود

زنی که در دوره ی ماهیانه به سر می برد طواف وداع نمی کند

۱۵۳- از عائشه رضي الله عنها روایت است که گفت: ((روز نفره - روز سیزدهم ذیحجه - دوره ی ماهیانه صفیه فرا رسید، و او گفت: گمان می کنم که مانع رفتن شما شدم، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: الله تو را به گلو درد مبتلا کند(۱)، سپس پرسید: آیا صفیه روز نحر (عید قربان) طواف کرده است؟ گفتند: بله، خطاب به صفیه فرمود: پس حرکت کن)). [متفق علیه]

اگر حاج عمره گزار از ادای حج و عمره باز ماند

۱۵۴- از ابن عباس رضي الله عنهما روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم از عمره باز داشته شد، پس ایشان سر خود را تراشید و با زنان خود همبستری نمود، و قربانی کرد، تا اینکه سال بعد از آن بجای آن عمره کرد)). [روایت بخاری]

(۱) ظاهراً دعاست ولی در واقع اینگونه نیست.

۱۵۵- از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم رهسپار ادای عمره شد و کفار قریش مانع ایشان از رسیدن به کعبه شد، پس ایشان قربانی خود را ذبح نمود، و سرش را در حدیبیه تراشید، و با مشرکین به این تفاهم رسیدند که سال آینده عمره کند، بدون اینکه سلاحی غیر از شمشیر با خود حمل کنند، و در آن همان اندازه بماند که مشرکین اعلام کنند، پس ایشان همانگونه که با آنان صلح کرده بود، سال بعد وارد مکه شده و عمره نمود، و با گذشت سه روز از ایشان خواستند تا از مکه بیرون رود، پس ایشان نیز بیرون رفت)).

[روایت بخاری]

حدیبیه: در فاصله بیست کیلومتری شمال غرب مکه و بین آن و جده واقع شده است.

حکم مشغول شدن به داد و ستد در حج

۱۵۶- از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((عُكَازٌ، وَمَجَنَّةٌ، وَذُو الْمَجَازِ بازارهای دوران جاهلیت بودند، و با آمدن اسلام، مردم ترس داشتند که مبادا با خرید و فروش در آنجا گناهکار شده پس از آنجا پرهیز کردند، الله متعال فرمود: ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ﴾ ترجمه: ((گناهی بر شما نیست که (در ایام حج، با خرید و فروش) از فضل پروردگارتان (منفعت و روزی) طلب کنید)) [سورة البقرة: ۱۹۸].

عکاظ: در ۳۵ کیلومتری شمال شرق طایف قرار دارد.

مجنه: بین مکه و جده واقع شده است که امروزه به بحرہ معروف است.
ذوالمجاز: شمال عرفہ قرار دارد و با شرایع ۸ کیلومتر فاصلہ دارد.

حکم اتراق کردن در منطقہ ی محصب و ابطح بعد از روز سیزدہم

۱۵۷- از عائشہ رضی اللہ عنہا روایت است کہ گفت: ((اتراق کردن در وادی ابطح سنت نیست؛ و فقط بہ این علت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم در آن اتراق نمود کہ مسیرش برای خروج ایشان راحت تر بود)). [متفق علیہ]

۱۵۸- از ابوہریرہ رضی اللہ عنہ روایت است کہ گفت: ((رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم در روز پس از رو عید قربان در منی فرمود: ما فردا بہ کوہ پایہ بنی کنانہ خواهیم رفت؛ جایی کہ بر کفر باہم ہم پیمان شدند یعنی: محصب)). [متفق علیہ]

۱۵۹- از ابن عمر رضی اللہ عنہما روایت است کہ گفت: ((رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم و ابوبکر و عمر رضی اللہ عنہما در ابطح اتراق می کردند)). (روایت مسلم)

۱۶۰- از ابی رافع رضی اللہ عنہ روایت است کہ گفت: ((رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم ہنگام خروج از منی بہ من دستور خیمہ زدن در ابطح را نداد، ولی من آنجا خیمہ زدم و در آن خیمہ ای برپا کردم، پس رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم آمدہ و زیر آن نشستند)). (روایت مسلم).

پس از بازگشت از حج و یا عمرہ و یا جنگ چہ گفته می شود

۱۶۱- ابن عمر رضی الله عنهما روایت می کند که هر گاه رسول الله صلی الله علیه وسلم از جنگ و یا لشکر و یا حج و یا عمره ای بر می گشت، با رسیدن به ورودی یا بر بلندایی؛ سه مرتبه الله اکبر می گفت، سپس می فرمود: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلِيٌّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، آيُونَ، تَائِبُونَ، عَابِدُونَ، سَاجِدُونَ، لِرَبِّنَا حَامِدُونَ** را می خواند- در روایت بخاری آمده است: **((حَامِدُونَ، لِرَبِّنَا سَاجِدُونَ))**، **صَدَقَ اللَّهُ وَعَدَّهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ**. هیچ معبود بر حقی جز الله نیست، و شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست. و ستایش و سپاس سزاوار اوست، و بر هر چیزی توانایی دارد. رجوع و بازگشت ما به سوی اوست. ما بندگان و سجده گزاران در گاه پروردگاران هستیم. الله به وعده خود را عملی کرد، و به بنده خویش کمک کرد و به تنهایی، لشکر کفار را شکست داد [متفق علیه]

۱۶۲- از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: **((من و ابوطلحه به همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم - در حال بازگشت به مدینه بودیم در حالیکه صفیه رضی الله عنها پشت سر ایشان سوار بود، تا اینکه به نزدیکی مدینه رسیدیم، ایشان فرمودند: ((آيُونَ، تَائِبُونَ، عَابِدُونَ، لِرَبِّنَا حَامِدُونَ)) (رجوع و بازگشت ما به سوی اوست. ما بندگان و شکر گزار پروردگاران هستیم)، و این را تا هنگام ورود به مدینه تکرار نمود))**. [متفق علیه]

استحباب نماز خواندن در کعبه

۱۶۳- ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((در سال فتح مکه در حالیکه اسماہ پشت سر رسول الله صلی الله علیه وسلم بود، و بلال و عثمان بن طلحه نیز همراه ایشان بودند، شتر خویش را نزدیک کعبه خواباند، و سپس به عثمان گفت: کلید را بیاور، پس عثمان کلید را آورده و در کعبه را باز کرد، سپس رسول الله و اسامه و بلال و عثمان به همراه ایشان وارد کعبه شدند، در را بسته و در آن مدت طولانی از روز را سپری کردند، سپس ایشان خارج شده و مردم شتابان آمده تا وارد شوند، پس من سبقت گرفتم و بلال را دیدم که پشت در ایستاده است، از او پرسیدم رسول الله صلی الله علیه وسلم کجا نماز خواند؟ گفت: میان این دو ستون - کعبه دارای شش ستون دو ردیفه بود - و رسول الله صلی الله علیه وسلم بین دو ستون اولی نماز خواند، به گونه ای که در کعبه پشت سر ایشان قرار گرفته بود، و به دیوار مقابل در رو کرده بود)). [متفق علیه]

مکان نماز خواندن در کعبه

۱۶۴- از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم وارد کعبه شد در تمام زوایای آن دعا کرد، و در آن نماز نخواند تا اینکه از آن خارج شد، و وقتی از کعبه خارج شد، دو رکعت مقابل در کعبه نماز خواند و فرمود: این قبله گاه است)). [متفق علیه]

نماز خواندن در حجر اسماعیل

۱۶۵- از عائشه رضی الله عنها روایت است که گفت: ((از رسول الله صلی الله

علیه وسلم پرسیدم که آیا حجر اسماعیل قسمتی از کعبه است؟ فرمود: بله، پس چرا آن را در قالب کعبه بنا نکرده اند؟ فرمود: قوم تو دچار کمبود مالی شدند. گفتم: چرا دروازه اش بالا است؟ فرمود: قوم تو اینگونه بنا نهاده اند تا هر کس که خودشان بخواهند، وارد کعبه شود، و هر کس را که بخواهند باز دارند.

و اگر قوم تو تازه مسلمان نبودند، و از این نمی ترسیدم که قلبا این عمل مرا ناپسند بدانند، پس برای وارد شدن حجر در کعبه چاره ای می اندیشیدم، و دروازه آن را با زمین همسان می کردم)). [متفق علیه]

حکم وارد شدن به مکه و حرم بدون احرام

۱۶۶- از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم سال فتح مکه در حالی وارد مکه شد که بر کلاه خودی بر سر داشت، هنگامی که آن را برداشت مردی پیش ایشان آمد، و گفت: ابن خطل خودش را به پرده های کعبه آویزان کرده است، فرمود: او را بکشید)). [متفق علیه]

۱۶۷- جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم روز فتح مکه در حالی وارد شد که عمامه ای سیاه بر سر پوشیده بود و ایشان در احرام نبود)). [روایت مسلم]

محدوده ی حرم مکه

۱۶۸- از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که: ((رسول الله صلی

الله علیه وسلم در روز فتح مکه فرمود: همان روزی که الله متعال آسمان ها وزمین را آفرید این سرزمین را حرام قرار دادند، پس تا روز قیامت اینگونه حرمتش پا برجاست. و جنگ و درگیری در آن برای هیچ کس قبل از من روا نبود، و برای من نیز فقط مدت زمانی از روز جایز شده است، پس جنگ در آن تا روز قیامت حرام است. کندن علف و خار و خاشاک آن جایز نیست، و جایز نیست شکار و صید آن ترسانده شود، و برداشتن گم شده در آن فقط برای کسی جایز است که قصد اعلام آن و گشتن در پی مالکش را دارد، و رویدنی ها سرسبز آن نباید کنده شود، پس عباس گفت: ای رسول الله! مگر اذخر (گیاهی که در سرزمین حجاز می روید و خوشبو است)، چرا که برای آهنگری و طلا سازی و بنای خانه ها از آن استفاده می کنند، پس پیامبر فرمود: مگر اذخر)). [متفق علیه]

۱۶۹- از ابی شریح العدوی رضی الله عنه روایت است که گفت: ((عمرو بن سعید لشکریان را به سوی مکه رهسپار می کرد، ابو شریح گفت به او گفتم: ای امیر به من اجازه بده تا به تو چیزی را بگویم که یک روز پس از فتح مکه گوش هایم از رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را شنید، و با قلبم آن را درک کردم، و با چشمانم او را در حال بیان آن می دیدم، پیامبر پس از ستایش و ثنای الهی را گفته و سپس فرمود: الله متعال مکه را سرزمینی با حرمت قرار داده است، پس برای کسی که به الله و روز قیامت ایمان دارد روا نیست: در آن خونی بریزد، و یا درختش را از زمین بکند، و هر کس به بهانه جنگ رسول الله صلی الله علیه وسلم در آن جنگ کند به او بگویید: الله فقط به پیامبرش اجازه داد نه به شما، و آن هم مدت زمان

کوتاهی از روز. و بعد از آن حرمتش دوباره مانند روز قبل بازگشت، پس شاهد و حاضرین به غایبان ابلاغ کنند)). [متفق علیه]

۱۷۰- از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: ((هنگامی که الله - عز وجل - مکه را توسط رسول الله فتح کرد، رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان مردم ایستاد، و بعد از ستایش و سپاس از الله فرمود: همانا الله مانع ورود فیل به مکه شد، و پیامبر و مومنان را بر کفار چیره گرداند. و جنگ کردن در آن برای هیچ کس پیش از من روا نبوده است، و برای من فقط مدتی از روز روا گشته، و بعد از من برای کسی روا نخواهد بود. پس صید آن را نیازارید، و خار آن را از جا نکند، و اشیا گم شده را فقط برای یافتن صاحبش بردارید، و چنانچه خویشاوندان کسی در آن کشته شود؛ پس او یکی از دو راه را باید برگزیند؛ یا دیه گرفته، و یا قصاص کند. پس عباس در مورد ممنوعیت کندن خس و خاشاک گفت: یا رسول الله! مگر اذخر؛ چرا که ما آن را در قبور و ساخت خانه هایبکار می گیریم، لذا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: مگر اذخر، ابوشاه - مردی از یمن - برخاست و گفت: یا رسول الله! این مطالب را برای من بنویسید. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: برای ابو شاه بنویسید)). [متفق علیه]

نهی از حمل سلاح در مکه بدون نیاز

۱۷۱- جابر بن عبدالله رضی الله عنه می گوید: ((از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: برای کسی روا نیست که در مکه سلاح حمل کند)).

[روایت مسلم]

محدوده ی حرم مدینه

۱۷۲- عبدالله بن زید بن عاصم رضي الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ((ابراهیم حرمت مکه را اعلام کرد و برای آن دعا نمود، و من حرمت مدینه را اعلام می کنم همانگونه که ابراهیم حرمت مکه را اعلام کرد. و من دعا کردم تا الله متعال دو برابر برکتی که ابراهیم برای اهل مکه درخواست کرده است را در صاع و مد مدینه قرار دهد)). [متفق علیه]

۱۷۳- انس بن مالک رضي الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمود: ((مدینه از فلان جا تا فلان جا حرم است، و نباید درختی در آن قطع شود، و بدعتی در آن ایجاد شود)). [متفق علیه]

۱۷۴- از ابوهریره رضي الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ((محدوده ی حرم مدینه میان دو طرف مدینه که سنگ های سیاه وجود دارد، است)). [متفق علیه].

۱۷۵- از سهل بن حنیف رضي الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم با دست خویش به مدینه اشاره نموده و فرمود: ((مدینه حرم امن است)). [روایت مسلم]

۱۷۶- از سعد بن ابی وقاص روایت است که روزی بر مرکب خود سوار شد و به قصرش در عقیق رفت. در آنجا برده ای را دید که مشغول قطع کردن درختی

است و یا مشغول زدن آن است تا برگ‌هایش بریزند. با دیدن این صحنه، همه‌ی اموال آن برده را مصادره کرد. هنگام بازگشت سعد، صاحبان برده آمدند و با سعد صحبت کردند تا اموال مصادره شده‌ی برده‌ی آنان را به آنها و یا برده برگرداند. سعد گفت: به الله پناه می‌برم از اینکه آنچه را که رسول الله صلی الله علیه وسلم به من به عنوان غنیمت، عنایت فرموده است، برگردانم. و نپذیرفت که چیزی به آنان برگرداند.

محدوده‌ی چراگاه در مدینه

۱۷۷- از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله ۱۲ میل را به عنوان محدوده‌ی چراگاه مدینه معرفی نمود.
 ۱۲ میل: سی و سه ممیز هجده کیلومتر (۳۳.۱۸).

هشدار به کسی که در مدینه نوآوری ایجاد کرده یا مبتدعی را جا دهد

۱۷۸- یزید بن شریک التمیمی از علی رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: ((نزد ما کتابی جز قرآن نیست، و- این صحیفه - پس آن را بیرون آورد که در آن احکام زخم‌ها و دیه‌های متعلق به آن، و سن و سال شترهایی که جهت دیه پرداخته می‌شود وجود داشت، و در آن نیز نوشته بود که: محدوده‌ی حرم مدینه

ما بین کوه عیر و کوه ثور است، پس هر کس در آن بدعتی ایجاد کند و یا مبتدعی را در آن جای دهد، پس لعنت الله و فرشتگان و تمام جهانیان بر او باد، روز قیامت از او نه فریضه ای پذیرفته خواهد شد و نه عبادت مستحبی.....)) ادامه ی حدیث [متفق علیه]

گناه کسی که اهل مدینه را فریب دهد

۱۷۹- از سعد بن ابی وقاص رضي الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ((هر کس نسبت به مدینه قصد بدی داشته باشد، - و در لفظ بخاری - ((کسی بر اهل مدینه قصد مکر و حيله داشته باشد - الله متعال او را همچون نمک که در آب ذوب می شود؛ ذوب خواهد کرد)). [متفق علیه]

میان قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم و منبر ایشان

باغی از باغ های بهشت است

۱۸۰- از ابوهریره رضي الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ((میان خانه و منبر من باغی از باغ های بهشت است، و منبر من روز قیامت بر روی حوض من خواهد بود)). [متفق علیه]

فَضْلِيَّتِ نَمَازِ خَوَانِدِنِ دَر مَسَاجِدِ مَكَّةَ وَ مَدِيْنَةِ

۱۸۱- از ابوهریره رضي الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ((یک نماز در مسجد من: برتر از هزار نماز در مساجد دیگر است،

مگر مسجد حرام)). [متفق علیه]

۱۸۲- از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ((جایز نیست به مسجدی بار سفر بست مگر سه مسجد: مسجد من، مسجد الحرام، و مسجد اقصا)). [متفق علیه]

فضیلت مسجد قبا

۱۸۳- از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم هر هفته در روز شنبه پیاده و یا سوار به مسجد قبا می رفت)). در روایت مسلم: ((و در آن دو رکعت نماز می خواند)). [متفق علیه]

فهرست موضوعات

- ۱..... بیان فرضیت حج وجایگاه آن
- ۳..... حج زنان
- ۳..... حج کودکان
- ۳..... حج کردن زن به نیابت از مرد
- ۴..... ادای حج و نذر به نیابت از مردگان
- ۴..... فضیلت حج و عمره
- ۵..... توشه برگرفتن برای حج
- ۶..... جایز بودن ادای عمره در ماههای حج
- ۶..... پیامبر صلی الله علیه وسلم چند عمره ادا کرده است
- ۷..... فضیلت عمل نیکو در دهه‌ی ذیحجه
- ۷..... سفر زنان همراه با محرم برای ادای حج و غیره
- ۸..... آنچه هنگام سوار شدن بر مرکب پیش از سفر حج و غیره گفته می‌شود
- ۹..... میقات‌های مکانی برای احرام بستن
- ۱۱..... اماکنی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در آنها نماز خوانده است
- ۱۲..... سپری کردن شب در ذی الحلیفه
- ۱۳..... لباس‌هایی که پوشیدن آن بر محرم محظوریت دارد
- ۱۵..... استفاده از خوشبویی برای محرم
- ۱۵..... علامتگذاری کردن قربانی و بستن قلاده بر گردن آن
- ۱۶..... حکم سوار شدن بر حیوانی که قربانی خواهد شد
- ۱۷..... اگر پیش از ذبح قربانی در مسیر مجروح یا بیمار شد چه باید کرد؟
- ۱۷..... مشرکین چگونه لبیک می‌گفتند

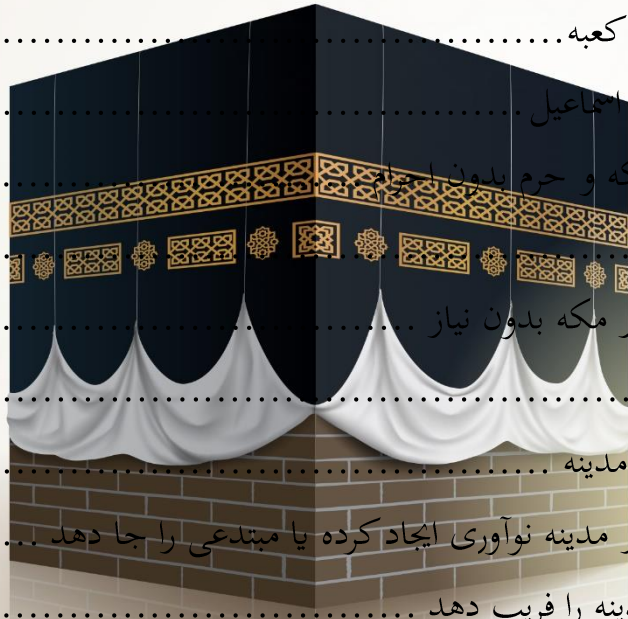
- ۱۸..... چگونگی لبیک گفتن پیامبر صلی الله علیه وسلم
- ۱۸..... استحباب لبیک گفتن با صدای بلند
- ۱۹..... نیت رسول الله صلی الله علیه وسلم برای احرام
- ۱۹..... گفتن الحمد لله و سبحان الله و الله اکبر پیش از نیت کردن
- ۲۰..... اعلام نیت و احرام پس از سوار شدن بر مرکب
- ۲۱..... حکم کسی که در نیت بگوید مانند کسی دیگر نیت می‌کنم
- ۲۱..... اعلام کردن نیت با صدای بلند
- ۲۲..... چگونگی نیت زنانی که در دوره‌ی ماهیانه و پس از وضع حمل به سر می‌برند
- ۲۳..... شرط و استثنا نمودن در حج
- ۲۴..... حج تمتع و اقرا و افراد
- ۲۵..... جایز بودن ادای حج تمتع
- ۲۶..... چه زمانی متمتع برای حج نیت می‌کند؟
- ۲۶..... چه اعمالی بر کسی که در صدد ادای حج تمتع بوده واجب است
- ۲۷..... کسی که حج را به صورت قران ادا می‌کند چه زمانی از احرام خارج می‌شود؟
- ۲۸..... کسی که نیت حج افراد و یا قران دارد فقط یک طواف و یک سعی بر او واجب است
- ۲۸..... فسخ نیت حج به عمره برای کسی که قربانی همراه خود نبرده است
- ۳۰..... جایز بودن ادای عمره پس از حج برای کسی که حج مفرد ادا کرده است
- ۳۱..... حکم محرمی که ندانسته پوشیدن لباس یا استفاده از عطر
- ۳۲..... حکم عقد ازدواج بستن برای محرم
- ۳۲..... حرام بودن شکار توسط فرد محرم
- ۳۵..... خوردن چه نوع شکاری برای فرد محرم جایز است
- ۳۵..... حیواناتی که محرم اجازه‌ی کشتن آنها را دارد

- ۳۶..... انتخاب فرد محرم بیمار از میان انواع مختلف فدیة در صورت نیاز
- ۳۷..... حکم حجامت برای شخص محرم
- ۳۷..... جواز مداوا نمودن چشم برای شخص محرم
- ۳۷..... حکم استحمام برای شخص محرم
- ۳۸..... چگونگی کفن کردن شخص محرم
- ۳۸..... حاجی از کجا وارد مکه می شود؟
- ۳۹..... استحمام پیش از ورود به مکه
- ۳۹..... چگونگی حج رسول الله صلی الله علیه وسلم
- ۴۶..... حکم وضو گرفتن برای طواف
- ۴۶..... انسان برهنه و مشرک نباید به دور کعبه طواف کند
- ۴۶..... بوسیدن حجر اسود
- ۴۷..... لمس حجر الأسود و رکن حجر الأسود با عصا
- ۴۸..... حکم رمل و طواف کردن به صورت دوان دوان و نیم خیز در حج و عمره
- ۴۸..... تاریخچه ی آغاز رمل کردن و به صورت نیم خیز طواف کردن
- ۴۹..... حکم سواره طواف و یا سعی کردن
- ۵۰..... آنچه در مورد سعی بین صفا و مروه روایت شده است
- ۵۰..... تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سر پس از پایان حج یا عمره
- ۵۲..... نماز ظهر را در روز هشتم کجا خوانده می شود؟
- ۵۲..... لیک و تکبیر گفتن هنگام حرکت از منی به سوی عرفات
- ۵۳..... فضیلت روز عرفه
- ۵۳..... زود رفتن به سوی عرفه
- ۵۴..... وقوف در عرفه

- ۵۵ دستور رسول الله بر رعایت آرامش هنگام وقت خروج از عرفه
- ۵۶ لیبیک گفتن در شب مزدلفه
- ۵۶ جمع بین نماز مغرب و عشا در مزدلفه
- ۵۷ زمان نماز صبح در مزدلفه
- ۵۷ جایز بودن حرکت زنان از مزدلفه به سوی منی پیش از صبح
- ۵۸ زمان حرکت از مزدلفه
- ۵۸ زمان توقف لیبیک گفتن
- ۵۹ پرتاب جمرات و سنگریزه ها
- ۵۹ وقت پرتاب سنگریزه ها
- ۶۰ روش ایستادن هنگام پرتاب سنگریزه ها
- ۶۰ حکم پرتاب کردن سنگریزه ها به صورت سواره
- ۶۱ رمی جمرات با هفت سنگریزه انجام می شود
- ۶۱ حکم تاخیر در پرتاب سنگریزه ها تا شب به علت فراموشی یا جهالت
- ۶۲ آب رسانی به حجاج
- ۶۲ استحباب طواف افاضه در روز عید قربان
- ۶۳ تمام محدوده ی منی مکانی برای قربانی است
- ۶۳ حکم بستن پاهای شتر هنگام قربانی و نحر کردن
- ۶۳ نحر و قربانی کردن شتر به صورت ایستاده
- ۶۴ صدقه دادن گوشت و پوست و بقایای قربانی
- ۶۴ قربانی کردن گاو
- ۶۴ مشارکت در قربانی
- ۶۴ حکم تقدیم عملی از اعمال حج بر عمل دیگر

احکام حج

- ۶۵ حکم کسی که شب های منی را با علت بیماری در مکه سپری کند
- ۶۵ طواف وداع
- ۶۶ زنی که در دوره ی ماهیانه به سر من برد طواف وداع نمی کند
- ۶۶ اگر حاج عمره گرو از اصل حج عمره بار نماند
- ۶۷ حکم مشغول شدن به داد و ستد در حج
- ۶۸ حکم اتراق کردن در منطقه ی اخصاص و ابطح بعد از روز ناسح دوم
- ۶۸ پس از بازگشت از حج یا عمره و حج یا عمره ایچه گفته می شود
- ۶۹ استحباب نماز خواندن در کعبه



- ۷۰ مکان نماز خواندن در کعبه
- ۷۰ نماز خواندن در حجر اسماعیل
- ۷۱ حکم وارد شدن به مکه و حرم بدون سلاح
- ۷۱ محدوده ی حرم مکه
- ۷۳ نهی از حمل سلاح در مکه بدون نیاز
- ۷۴ محدوده ی حرم مدینه
- ۷۵ محدوده ی چراگاه در مدینه
- ۷۵ هشدار به کسی که در مدینه نوآوری ایجاد کرده یا مبتدعی را جا دهد
- ۷۶ گناه کسی که اهل مدینه را فریب دهد
- ۷۶ میان قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم و منبر ایشان باغی از باغ های بهشت است
- ۷۶ فضیلت نماز خواندن در مساجد مکه و مدینه و جمع و رزق
- ۷۷ فضیلت مسجد قبا

عن عبد الجبار بن محمد الفهري
 إمام وخطيب المسجد النبوي الشريف